

که مقام نیابت سلطنت هم علیحده عرض کرده ایم بمجلس هم تلگرافات کرده اند بعضی حالا هم تلگرافات غیر از تلگرافات مجلس و نیابت سلطنت هم کرده اند که همچو تلگرافی کرده ایم و این تلگرافات هم یا بتوسط مقام منبع نیابت سلطنت بمجلس شده است یا بعضی هم شاید بتوسط مجلس تمدنی باشند که کرده اند گویا از هر جایی که این تلگرافات شده است تمامش به نیابت سلطنت باشد این است که بنده بیشتر از این داخل مذاکرات نمیشوم و کاملاً مفید میدانم برای اینکه ملت در این ایام مجلس آنقدریکه باید جدا داشته باشد داشته است بمباره آخری نصف ملت که مؤسسان این اسامند تمام تلگراف کرده اند و تماماً رأی داده اند جهت هم این است آنها خطراتی را در نظر گرفته اند در نبودن مجلس در مملکت شاید احتمال میدهند که بحالیه آن خطرات و حوادث چون احتمال خودش لزوم میآورد بعضی جاها هست مثلاً من باب مثال هست یک جا که یک شخص متلاً احتمال دارد که فلان کس که اینجا راه میرد شاید پیغمبر باشد باید آنرا حفظ کنیم و این احتمال که شاید پیغمبر باشد خودش لزوم میآورد که باید او را حفظ کرد حالا اگر چه پیغمبر نباشد بقول علماء و شرعاً این احتمال منجر میشود که نگذارند باو صدمه وارد آید احتمال آنکه پیغمبر باشد چون وجودش باید نبضش که تمام عالم برسد و بآن احتمال نباید بگذارند که صدمه باو بخورد و هم بآن احتمال باید محافظت کند و این موکلین هم یا بواسطه آن احساسات است که میگویند باید باقی باشد یا در رفتن مجلس حس کرده اند که نباید این مجلس برود در این رفتن مجلس شاید خطراتی مندر کرده اند بنده نمیگویم این خطرات را من هم میبینم بنده عرض کردم و کمال هستم فصول نیست بنده نمیگویم آنها دیده اند و میبینند که این تلگرافات را کرده اند و به موجب همین تلگرافات عقیده ام این است که باید مجلس امتداد پیدا بکند و به نیابت سلطنت هم تلگراف کرده اند او هم تکلیف خودش را خودش بهتر میدانند این جواب این که حاج آقا فرمودند که باید از طرف ملت و کمال شوم از جانب ملت بنده عرض میکنم که این عین و کمال بودن است از جانب ملت حالا هرگاه خدشه برای آقایان نمایندگان دست داد بنده حاضرم اگر آقای رئیس اجازه بفرمایند بیایم بگویم بفلان دلیل بفلان دلیل تمام مؤسسان این دستگاه را داده اند مثل اینکه با وراون رأی بدهند رأی داده اند که تا مجلس جدید شاید این مجلس ابقاء باشد این عقیده بنده است از روی آن تلگرافاتیکه شده و یک عقیده شخص خودم که اگر این مجلس باشد یا نباشد آن هم یک راهی است که شاید من هم با آقای حاج شیخ رئیس همراه باشم چون بنده اولاً این را نمیدانم و تلگرافات را هم میدانم بر فرض اگر این شد آن وقت همان است و آقای حاج شیخ رئیس فرمودند الضرورات نتيجه المخدورات البته ضرورت يك وقتي وادار میکند انسان بعضی کارهای خلاف قانون بکند اینکه سهل است خود قانون در يك همچو وقتی بعضی کارها میکند که خلاف قانون است یعنی خود قانون در وقت ضرورت يك قانونی جعل میکنند که منحصر است به همان حمل ضرورت که اگر آن مقام ضرورت گذشت آن مقام

قانون همه جایش تغییر میکند باز اگر دچار شد آناده قانونی ضروری در جای خودش هست و این را نماند که تصور بفرمایند در قانون سیاسی مملکتی است بلکه در دین و مذهب در همه چیز هست آن ضرورت که میآید انسان مباشرت میکند در همه چیز حالا آن هم يك مطلبی است بنده حالا اظهار عقیده نمیکنم شاید مملکت ما باین ضرورت رسیده و باین محظورات رسیده باشد که امتداد مجلس لازم باشد شاید بگویند این از طرف ملت نیستند پس اینها نمیتواند قانون بگذارند بنده عرض میکنم که همان ضرورت است که نوشتن قانون را وادار میکند که قانون بنویسد و آن قانون که در آن وقت ضرورت نوشته شده است قانونیت پیدا میکند چون بعضی گفتند که در این مدت موقتی مجلس نمیتوانم قانون بنویسم بنده میگویم ضرورت مقتضی شد که در ماده قانون بنویسند همان ضرورت است که وادار میکند قانون بنویسد و باین بنویسند که همان قانون قانون شد پس باین لحاظ می توانست داخل قانون گذاشتن و سؤال و جواب و استیضاحات و داخل هر چیزی که وکیل ملت میشود بشود و این روح همان قانون است که در مواقع ضرورت همه آنها را باید کرد چنانچه شده در اسلام و هم در سایر دول شده است بنده زیاد از این عرض نمیکنم و زاده از این دیگر صحبت نمیکنم و ختم میکنم که شاید صحبتی نشود دیگر پیشنهادی از طرف آقایان موافقی شود و رأی گرفته شود که دیگری از این مذاکراتی نشود .

رئیس - يك ماده الحاقیه بقانون انتخابات آقای حاج شیخ رئیس پیشنهاد کرده اند موافقت نظامنامه داخلی باید برود به کمیسیون مبتکرات لیکن بعضی از آقایان تقاضا کرده اند که در همین مجلس مطرح شد و رأی گرفته شود ماده الحاقیه قرائت میشود برای استحضار خاطر آقایان (بعبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم این ماده الحاقیه در ذیل قانون انتخابات نوشته و قانونی شود .

ماده الحاقیه - در هر دوره ای از ادوار دو دوره تقنینیه مجلس شورای ملی قریب الاختتام میشود و موقع انتخابات جدید میرسد در صورتیکه اکثریه مجلس شورای احساسی که انفصال موقتی مجلس و پیش آمدن ایام فترت بین المجلسین خلاف مصالح مملکت و منافعی با منافع نوعیه است باتفاق یا اکثریت میتوانند رأی بدهند که مجلس شورای رسمی تا وقتی که نصف بعلاوه يك از وکلای دوره آتی دردمرکز حاضر شود ابقاء و کماکان بوظائف فقین و نظارت قوه مجریه استقامت نماید (تقاضا نیز بعبارت ذیل قرائت گردید)

اعضاء کنندگان در ذیل تقاضا میکنند پیشنهاد راجع بالحاق ماده واحده بقانون انتخابات که حاج شیخ رئیس تقدیم کرده بکمیسیون مبتکرات نرود و در جلسه امروز رأی گرفته شود امضای حاج شیخ رئیس با امضای ۳۰ نفر دیگر از وکلا

رئیس - خوب در باب این که این مسئله امروز

محمد هاشم میرزا - بین این تقاضا و امتداد مجلس عموم خصوصی مطلق است بعقیده ملاه یعنی ممکن است که کسانی که این پیشنهاد را کرده اند

امتداد این دوره را هم مسلماً عقیده خواهند داشت وضع یا مایل هستند که امتداد این دوره را عقیده داشته باشد و رأی بدهند و این را تقاضا شده است عقیده نداشته باشند پس خوب است در همان امتداد مجلس مذاکره تمام شود در روز است که در این خصوص مذاکره میشود خوب است اجازه بدهید که این مذاکره بجائی منتهی شود اگر این را رأی دادند آن وقت این ماده را مذاکره کنند یا آنکه بگذارند برای دوره دیگر والا بنده عقیده ام این است که این مذاکرات بی نتیجه خواهد ماند و بعد از دو روز مذاکره کردن نتیجه نخواهم گرفت .

دکتر حاج رضاخان - بنده گمان میکنم نزدیک باین ماده يك ماده در نظامنامه انتخاباتی وضع کردیم که فلسفه او از میان رفته است آن این است که ۳ ماه قبل از اختتام مجلس شروع بانخابات شود چون ما آن قانون را گذاشته ایم و تصور میکنم که حالا دیگر لزومی نداشته باشد و ما نوشتیم که ۳ ماه قبل از انقضاء مدت مجلس اعلان انتخاب شود و در قانون اساسی نوشته شده بود بعد از انقضاء اعلان شود چون ۴ اصل قانون اساسی از طرف انجمن ایالتی آذربایجان نسخ شده بود که یکی راجع به همین مسئله بود این بود که آن قانون را قانون اساسی نماندیم و این ماده در قانون انتخابات نوشته شد که مدت مجلس وصل بمجلس بعد شود یعنی هیچ حال انفصال پیدا نشود چون قانون انتخابات طول کشید فلسفه آن ماده از میان رفته بجهت این که ممکن است در آتی باین ترتیب عمل نمایند البته در انتخابات نظریات خواهند نمود شاید آن ۳ ماه را ۶ ماه کنند و شاید بردارند و شاید کمتر و بیشتر کنند این است که بواسطه انقلابات مملکتی بنده موافقم که این ماده بجای او باشد اگر او نیست نزدیک باو است .

رئیس - آقای حاج شیخ رئیس توضیح بدهید .

حاج شیخ رئیس - بطوریکه عرض کردم بنده احساس کردم که غالب نمایندگان بلکه باتفاق بآن نظریاتیکه دارند و مقتضیاتیکه مشهود همه آنها هست عقیده دارند باین که مجلس فاصله پیدا نکنند تا مجلس دیگر و ایام فترتی پیش نیاید که مبادا تولید پاره اشکالات شود و فقط قانونیکه مجوز این امتداد باشد بنظر بعضی نرسیده بود که بنظر بعضی واضح بود که قانون تجویز میکنند بنده بعد از مطالعه زیاد چیزی که بنظر آمد که البته آقایان نمایندگانی محترم تصدیق خواهند فرمود این است که جعل قوانین تابع اتفاقات و احتیاجات است بمبارت دیگر هم هراتفاق هر ضرورتی هراتحاجی منشاء اشراغ قانونی میشود که میتوان گفت مولد آن قانون خواهد بود حتی بنده در قوانین مقدسه دینی هم این عقیده را دارم که اگر کسی بشان نزول آیات و روایات توجه باشد یا بنده همراه است باین معنی که اگر انسان هیچوقت مرتکب جنحه و جنایت نمیشد محققاً حکم السارق و ان ربه نازل نمیشد و اگر کسی را نمیکشت من قتل نفساً را خدا معین نمیکرد چون این قصا وضع شد این بود که آن حاکم جزای آسمانی آن قانونگذار آسمانی يك حکمی و جزائی برای او وضع کرد در حکم شریعت

شود کمیسیون ماده واحده ذیل را تصویب نموده مجدداً بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید .

ماده واحده - مبلغ دوازده هزار و دویست و یازده تومان اعتبار بوزارت مالیه داده میشود که بعد از مراجعه بحساب گندم ارباب لطف الله شهر قدر طلب مشارالیه باشد از این اعتبار بپردازد .

ارباب کیخسرو - بنده در آن پیشنهادیکه کرده بودید گویا مخالفی نداشت باین ترتیبی که کمیسیون داده است نمیدانم علت چیست که ناخال کمیسیون اینرا معوق گذاشته است بنده پیشنهاد کرده بودم که این برگردد بوزارت مالیه که با نظریات خزانه دار کل هر قدر صلاح بداند پس از رسیدگی این را بپردازند و دیگر آن وقت لازم نبود که بمجلس بیاید و يك اعتبار دیگری بخواهد این باید در همانجا رسیدگی شده باشد و بنظر خزانه دار کل برسد پس از آنکه رسیدگی کرد وزارت مالیه آنرا بپردازد و اگر فقط بنا بر رسیدگی وزارت مالیه اکتفا شود که رسیدگی کرده و پیشنهاد کرده بود که اینقدر طلب ارباب لطف الله شده است دیگر برگشتنش به وزارت مالیه معنی ندارد مقصود از برگشتنش این بود که خزانه دار کل نظریاتی بکند اگر ارباب لطف الله طلب دارد باید او را داد هیچ علت ندارد که از حساب گریزان باشد و خزانه دار کل بایستی نظر بنماید و اگر بهمان اکتفا میشود که وزارت مالیه پیشنهاد کرده است بنده عرض ندارم .

حاج عز الممالک - اینجا گمان میکنم که آقای ارباب کیخسرو اشتباه فرمودند که میفرمایند دیگر لازم نبود بمجلس بیاید بجهت اینکه پیشنهادی کردند که باید این مطلب بکمیسیون برود و معلوم است که باید بمجلس برگردد و يك اعتبار موهومی هم در آن ماده تصدیق شده بود که نمیشد او را تصویب کرد بجهت اینکه وزارت مالیه بعد از رسیدگی بحساب ارباب لطف الله پنج نفریکه معین کرده بود بجهت تقویم گندم ارباب لطف الله تصدیق کرده بودند که این مبلغ طلب ارباب لطف الله است و يك پیشنهاد وزارت مالیه را کمیسیون نمیتوانست رد بکند و نمیتوانست يك اعتبار موهومی بوزارت مالیه بدهد و این مسئله اقدام هم تنها از ارباب لطف الله خریده نشده است از سایرین هم خریده اند مثل اینکه از علومانیاس هم خریده شده است بدخشان نمیدانم چه شده که حساب آنها داده شده و علومانیاس از بابت گندم الان طلبی ندارد و برباب لطف الله هیچ نداده اند و دوره تقنینیه هم نزدیک است که بگذرد در واقع یکنفر جز ایرانی که کمک کرده است و مخصوصاً گندم داده است در آن وقت تنگی بقتون دولت و سرباز دولت خورده چطور میشود که امروز ما تصویب نکنیم و نگذاریم که رسیدگی شود و طلب او داده شود و اینطور محاسبه او اشکال پیدا کند .

رئیس - این مطلب تازه بمجلس نیامده است سابقاً بمجلس آمده است و اینقدر هم مذاکره لازم ندارد و رأی میکنیم .

ارباب کیخسرو - اینجا سوء تفاهمی شده است بنده عرضی نکردم لازم نبود پیشنهاد بنده برگردد بمجلس بنده عرض کردم که کمیسیون رأی میداد که این برود بوزارت مالیه خزانه دار کل

راپورتی هم نداشته است و مخبری هم ندارد و از طرف وزراء هم پیشنهاد نشده است بنده گمان میکنم تا این درجه کافی باشد بجهت اینکه اگر يك پیشنهادی بود یا يك ماده بود می توانستیم رأی بگیریم حالا بمقتور مذاکره بکنیم و محول بکنیم بفردا بعد فردا هم همین طور مذاکره بکنیم تا آخر مجلس آخرش نمیدانم به چه رأی میکنیم پس اگر صلاح بداند این مسئله برود يك کمیسیونی که اعضا آن کمیسیون هم يك مذاکره بکنند که فردا که بمجلس يك مخبری هم داشته باشد که در این باب اگر دلالی دارد پیشنهاد کنند و اگر هم بخواهیم رأی بگیریم باده قانونی باشد که بآن رأی بگیریم و حالا ما بطور مذاکره میکنیم و محول میکنیم بفردا بعد فردا هم همینطور مذاکره میکنیم تا آخر مجلس آخرش نمیدانم به چه رأی میکنیم پس در این باب يك کمیسیونی معین نشده است و راپورتی هم نداشته است و مخبری هم ندارد اگر صلاح باشد بکمیسیون تقصیر و کمیسیون معارف رجوع شود دوسه کمیسیون مخلوط شود و فردا صبح مذاکراتی بکنند و ماده بنویسند فردا بعد از ظهر راپورت بدهند و بکفایت امتداد مجلس را بنویسند و بیاورند باین رأی بگیریم .

ناصر الاسلام - بنده آن روز پیشنهادی تقدیم کرده بودم اگر آقایان نمایندگان تصویب بفرمایند آن پیشنهاد خوانده شود در صورتیکه قابل توجه شد آنوقت آن کمیسیونی که تشکیل خواهد شد با آن اصلاحاتی که از طرف آقایان میشود هر کدام از آن پیشنهاد قابل توجه شد معنی باشد که انتخاب میشوند تصویب فرمودند که بعضی نقیذات بمانند آن پیشنهادیکه بنده کرده ام اگر رأی بگیرند دور نیست بآن پیشنهاد بنده رأی بدهم اگر تصویب بفرمایند رأی بگیرم .

رئیس - اما پیشنهادی که فرمودید که هیئت دولت تلگراف کنند بولایات و اجنهای ایالتی و ولایتی این مطلب يك چیزی است که تا دو هفته دیگر هم جواب نمیرسد در صورتیکه دوروز دیگر مجلس منقضی است تا دوروز دیگر این تریب معلوم نمیشود پس بآن ترتیب که بنده عرض کردم بدوسه کمیسیون رجوع شود بهتر است که اگر بنده امتداد پیدا کند دلیل امتداد چه خواهد بود یا اگر هم لازم نیست امتداد پیدا بکند دلائلش چه چیز است برای اینکه با ارفاق مسئله توجه بشویم رأی بدهیم بهتر این است که رجوع بکنیم بکمیسیون و گمان میکنم کمیسیون تقصیر و معارف اصلاح است برای اینکه اگر مختلطاً جلسه بکنند و راپورت بدهند آقایانی که این مسئله را تصویب میکنند قیام نمایند .

(اگر قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد - کمیسیون معارف و تقصیر فردا سه ساعت بظهر مانده حاضر شوند و مذاکره بکنند و اسنادی هم که راجع باینکار است بکمیسیون فرستاده میشود که ملاحظه کرده و راپورت بدهند - راپورت کمیسیون بودجه راجع بطلب ارباب لطف الله (بعبارت ذیل قرائت شد)

راپورت کمیسیون بودجه راجع به ارباب لطف الله بایشان آقای ارباب کیخسرو که از مجلس ارجاع بکمیسیون شده بود مجدداً مطرح مذاکره گردید پس از مذاکرات لازم نظر باینکه وزارت مالیه تقاضای اعتبار راجع بطلب ارباب لطف الله نموده و اگر اعتبار معین داده شود تا مدتی طلب معزی الله معوق خواهد ماند اعتبار مجددی از مجلس خواسته

که سهولت در حکم طبیعت هم این را ثابت خواهد کرد که تمام علوم جدید و اکتشافات بعیده که نتیجه انظار اطباء نظر با احتیاجات مردم است آن وجود کثران عظام است همه بواسطه امراض مردم است اگر مردم بحال طبیعی و اعتدال اسمی بودند هیچ احتیاج بعلم طب نداشتیم و همین طور قواعد و آداب دینی برای احتیاجات نوع بشری است پس در اینصورت این دو ساله دوره تقنینیه که گذشت متعنی چون مبتلا نشده بود به همچو محظوراتی که احساس کند که بین المجلسین شاید يك فرقی واقع شود که آن فترت ملت را مملکت باقتضای تازه و قیامی که مانی توانیم از آتیته تأمین بدهیم خودمان را از ظهور تازه و قیام چنانچه نتوانستیم اطمینان بدهیم حالا مبتلا شده ایم نظر بان مشکلاتیکه پیش میآید بنده پیشنهاد کرده ام که اگر مجلس در قریب اختتام باشد و حالت مملکت دچار محظورات داخلی و خارجی باشد که نمایندگان آن دوره که همین زمان است که هستیم و این پیشنهاد را هم برای همین دوره کرده ایم که اگر احساس کردند که يك همچو محظوراتی دارند مجلس را موقتاً تشکیل بدهند تا اینکه نصف بعلاوه يك از نمایندگان جدید دردمرکز جمع شوند و در این ایام فترت خاصه در سایه مردمان بدفطرت که باعث انقلاب و انسادات واقع نشود و پاره اشکالات تازه تولید نشود باین جهت پیشنهاد کردم که در همچو حالی نمایندگان می توانند نظر بآن احساس خودشان رأی بدهند که این مجلس بماند تا آن وکلای آتی جمع شوند و آن عموم خصوصی مطلق که شاهزاده محمد هاشم میرزا فرمودند بن منوجه نیست زیرا آنجوری که احساس کرده ایم آتیته مملکت چنانکه حالا هم هست طوری منظوم مرتب و امنیت نیست و معارف ما آنطوریکه باید تشکیل شود نیست که اگر مجلس شورای ملی باقتضای تعیین گردش بهاری و تابستانی شش ماه یا یکسال هم منفصل شود ابتدا خدشه راه نباید و عرض میکنم که نمایندگان محترم مقایسه بفرمایند مملکت ما با آن مالکی که دویست و سیصد سال است مشروطه شده است راه تمدن را بیوده اند ملاحظه بفرمایند حالت اشرار و الوار این مملکت را و آن کسانرا که خارج از مرکز هستند و حالت وحشیگری و شرارت های آنها را که اگر بشنوند افعال مجلس شورای ملی را ولو قانونیت يك ثمرات بدی حاصل کند که ما را با شکالات بیندازد عقیده من اینست که عرض کردم .

رئیس - رأی میکنیم به تقاضای آقای حاج شیخ رئیس که امروز جزء دستور شود آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند - (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - در این مسئله تمديد دیروز مجلس مذاکره کرد و امروز هم تا بحال مذاکرات میشود گمان میکنم که مذاکرات کافی باشد محول میکنیم باقی مذاکرات را بجلسه فردا ولی تصور میکنم که خوب است قبول این را یکی از کمیسیون هائی که هست یا کمیسیون معارف یا کمیسیون تقصیر که در آن کمیسیون مذاقه بشود و نظریاتی بماند که چطور باید این مسئله ختم شود برای اینکه در این باب کمیسیونی معین نبوده است و

رسیدگی کند و هر قدر طلب او باشد بپردازد دیگر حاجت نبود که در تانی از پیش خزانهدار کل برگردد مجلس بنده این را عرض کردم.

حاج عز الممالک - اینطور که می فرمایند باز عرض میکنم که مجبور بود بمجلس بیاید و رأی گرفته شود که اعتبار بدهد که چه طلبه ا بدهد و بموجب ماده قانونی تصریح کند و الا وزارت مالیه نمیتواند بطرز ا بهام چیزی بپردازد ماده واحد مجدداً قرائت شد.

رئیس - رای میگیریم باین ماده آقایانی که تصویب میکنند ورقه سفید خواهند داد و آقایانی که تصویب نمیکند ورقه کبود (اوراق رای اخذ و آقای حاج میرزا رضاخان بقرار ذیل احصاء نمودند ورقه سفید (۳۸)

رئیس - با کثرت (۳۸) رأی از هفتاد نفر نمایندگان حاضر تصویب شد راپورت کمیسیون بودجه راجع بابتهاج السلطنه (بمضمون ذیل خوانده شد)

لایحه وزارت مالیه رسیده بود مشعر بر اینکه ابتهاج السلطنه مبلغ نهصد و کسری حقوق دیوانی داشت در سنوات ماضیه بموجب فرمان در حق متهج الدوله صبه خود برقرار نمود در صورتی که متهج الدوله شخصاً نهصد و کسری حقوق داشتند در سه قوی نیل در موقع اصلاحات نظر بخود حقوق متهج الدوله که معادل یک هزار و نهصد و کسری بود بصوب کمیسیون ۴۰۰ تومان از این مبلغ باقی و تنه مقطوع شد حالیه ابتهاج السلطنه بمجلس شورای ملی و وزارت مالیه تنظیم است که این نهصد و کسری که باسم متهج الدوله فرمان صادر کرده اند محل معاش خود و نهایت موافق معمول باسم اولاد خود فرمان صادر کرده است و حالیه امر معاش و زندگانی مشارالیها بکلی مختل و شخصاً بریشان شده اند و یقیناً اگر این تبدیل اسم واقع نشده بود در سه قوی نیل ملغی هم باسم ابتهاج السلطنه ابقا میشد و در زمان مجلس سابق هم بعد از اصلاحات از طرف مجلس مقدس غفری الیها وعده شده بود که تغییری در این حکم داده شود بواسطه انفصال مجلس بهال حال باقی ماند نظر بمقدمات فوق وزارت مالیه تصویب مینماید که سالی ۶۰۰ تومان کسبه ماهی ۵۰ تومان باشد در حق ابتهاج السلطنه برقرار شده و رفع نظلم مشارالیها بشود کمیسیون بودجه پس از تحقیقات لازم در صحت اظهارات وزارت مالیه و بریشانی ابتهاج السلطنه و عده که در زمان مجلس سابق بمشارالیها شده است تصویب مینماید که سالی ۶۰۰ تومان مستمری مادام الحیوة در حق ابتهاج السلطنه برقرار شود.

حاج شیخ اسدالله - چیزی را که مجلس سابق قطع کرده است ما میخواستیم برقرار شود خودش حقوقی داشته است بمیل خودش آمده است بدیگری واگذار کرده بر تریب تیکه بیش که اگذار با اولاد خودشان میکردند و فرمان هم میدادند با اولادشان و بعد از آنکه مجلس سابق رد کرده است باین بهانه دوباره میخواهد از این مجلس رأی بگیرد و بنده بکلی مخالفم و آن حقوق را که در مجلس سابق رد کرده است قطع تصویب نمیکند و ما تقدیریکه باقی مانده کافی میدانم.

حاج وکیل الرعایا - اطلاعات وزارت مالیه

برای تشخیص اینجور مطالب خیلی قوتش پیش از این اظهاراتی است که بنده میخواهم بکنم لیکن مجلس سابق که ۴۰۰ تومان باقی گذارده برای یک نفر بود که باقی گذارد و اگر باین ترتیب واقف بود شاید برای او هم چیزی باقی میگذاشت چنانچه برای دیگران هم باقی گذاشت و گمان میکنم که مادامی که این را وزارت مالیه تصویب کرده است که این یکی از معظورات است و بریشان است گویا سازوار نباشد که ما او را کنار بگذاریم و بگوئیم که اگر از گرسنگی مرد بمیرد بنده هیچ از احوالاتش مسبوق نیستم این را کسی از برای من مضمون نکند من او را هیچ نمیشناسم از روی این پیشنهاد وزارت مالیه عرض میکنم اگر این چیزهایی که وزارت مالیه در این جا نوشته است که من مطمئن دارم بوزارت مالیه نمیتوانم رد بکنم البته لازم میدانم که مجلس هم رضا بشود باین که یک کسیکه یک امر معاشی داشته حالاهم جزء معظورات است و تحصیل یک امر معاش هم از او ساخته نیست بطور بی نوائی زندگانی بکنند برای ملکیت ما خوش آیند نیست.

رئیس - رای میگیریم بماده که قرائت شد آقایانی که تصویب میکنند ورقه سفید خواهند داد و آقایانی که رد میکنند ورقه کبود خواهند داد اوراق رأی اخذ و آقای حاج میرزا رضاخان بطور ذیل احصاء نمودند ورقه سفید (۱۴) ورقه کبود (۱۴).

رئیس - بلا تکلیف ماند قانون شر کنهای تجارتی.

حاج شیخ علی خراسانی - چون این بیست نفر انتخاب بشوند بروند حضور والا حضرت آقای نایب السلطنه مشرف شوند از شبهم خیلی گذشته است خوب است برویم مشغول انتخاب آنها بشویم زیرا که باید تا فردا حضور والا حضرت مشرف شوند و تکلیف خودشان را انجام بدهند و بمجلس راپورت بدهند.

رئیس - میخواهید بماند برای جلسه بعد رای میگیریم (گفته شد تمام کنید) ماده یک بعبارت ذیل قرائت شد (۱) در کلیه این قانون مقصود از تجارت اشتغال باموری است که ذیل توضیح میشود اولاً خرید مال التجاره بقصد اینکه عیناً پس از استحاله یا تغییر شکل بمعرض فروشی یا اجاره برسد و نیز خرید اوراق برای فروش تا ثانیاً تغییر شکل دادن را واضح بوسیله ماشین یا که برای فروش ثالثاً تصدی حمل و نقل چه برآ چه بحر را باین برای دیگران معامله تجارتی کرد.

خامساً تصدی تحقیق اوراق و مال التجاره برای دیگران مانند اشخاصیکه مال التجاره بمشتری فروخته یا اجاره داده پس از آن از اجای لازم آنرا تحصیل و تحویل میدهد سادساً صرافی سابقاً حراجی ناماً معاملات بانکی از قبیل بیروان تجارتی خریدن یا با تاجر آن پول دادن و بطور مساعد وجه برات را پرداختن و فرض دادن و پول را بطور امانت قبول کردن و غیره تاسماً دلالتی.

حاج سید ابراهیم - تغییر شکل را نوشته است پس از استعمال یا تغییر شکل و نقاشی را مثلاً تغییر شکل نمیکوید ولی ضرر این اسباب خرو و جش

میشود و همان قید تغییر بهتر است.

آقا محمد - گمان میکنم اموری که این جا ذیل و صفه شده است و به (۹) قسمت کرده است هیچ قابل مذاکره و مخالفت نباشد چون خودم نمیگویم مقصود از تجارت این است و قانونی که در این جا وضع کرده ام فرض از تجارت در اینجا این نکاتی است که ذیل شرح داده شده است اینها اصلا حاتی است که مقنن قرار داده است و ابداً مخالفتها نه از جهت شرعی و نه از جهت عرفی و نه از جهت چیز دیگری ندارد.

حاج امام جمعه - این تغییرها که کرده اند اغلب عیب ندارد اما اگر بنا شود که هر لفظی که در این قانون ذکر میشود تمام مصادیق آنرا هم ذکر بکنم این بکلی قانون را خراب میکند تجارت یک لفظی است در اصطلاح ماکه تمام اینها را شامل است تجارت بمعنی داد و ستد است و همه را شامل خواهد شد این عرض من است یکی هم این است که این لفظ صرافها را از اینجا بردارند.

افتخار الواعظین - علت اینکه این توضیح داده شد و این شرح نوشته شد بنده تصدیق میکنم که تاجر من بیع و بیشتری است و من بیع و بیشتری شامل بیع و شری هست ولی نظر به پیشنهاد بود که آقای وحید الملک کرده بودند و همچو گمان کردند که تجارت وقتی در ملک ما گفته میشود تمام این امور شاید از نظر گیرنده و شونده صدق نکند این بود که مال لفظ تجارت را اینجا شرح دادیم از برای اینکه معلوم شود مراد ما از تجارت چه چیز است اما آنچه که آقا فرمودند (صرافی را) بردارند مقصودتان از صرافی این است که این یک وجهی میدهند یک صرافی داده و آن صراف یک برات بنده میدهد که بروم جای دیگر بگیرم یا اینکه پول امانت که میگذازم طرف معامله میشود و اگر اینکار عیبی دارد نظرشان را بفرمایند چه نظری است

آقای سید حسن مدریس - شراکت البته معلوم است که در کلیه معاملات و تجارت بانجاء و اقسام جاری است و تخصص دادن باین اقسام بقول اهل علم نفی غیرات و حال آنکه اقسام معاملات بملاوه معاملاتیکه اینجا نوشته شده است زیاد است اختصاص اینها را بیکر دائره امر شرکت را ضیق میکند اگر بهمان عموم خودش بگذاریم که شرکت اوامر تجارتی اینها را و آن افراد را که مایل است فرامیگیرد و الا تجارت موضوعات و مصادیقش منحصر باین ها نیست که این جا ذکر شده کتاب تجارتی ما کتابی است که دارای چندین هزار موضوع است و اینها که اینجا نوشته اند صد یک آنها نیست و اگر اینها را خارج از موضوع میخواهند بفرمایند که نمیتوانند بفرمایند خارج از موضوع است پس اگر میخواهند داخل بفرمایند بهتر این است که بطور تعمیم واگذارش بکنند که اینها و غیر اینها را هم شامل باشد اگر این عراض بنده را تصدیق مفرمایند که نعم المطلوب و اگر تصدیق نمفرمایند اینرا آقای مجیر توضیح بفرمایند که شرکت در دلالتی و حراجی یعنی چه.

افتخار الواعظین - شراکت در دلالتی و حراجی گویا خیلی واضح باشد که یعنی چه یک جمعی

بایک جمعی یک وجهی میکنند و تشکیل شرکتی میکنند که کارشان منحصر بدلالتی باشد شاید این را توضیح میخواهند که چرا شرکت میکنند برای اینکه یک منزلی لازم دارند دفتری میخواهند اجرائی میخواهند بعضی معارف دیگر دارند حالا اگر در ملک ما دائره تجارت بانجاء وسعت نداشته است که دلالتی احتیاج بشراکت داشته باشد این دلیل نمی شود که چرا دلالتی جزء شرکت شده است و باید دلالتی خودش را از کارهای بزرگ مملکت بشود چنانچه الان هستند جهاتیکه بطریق شرکت دلالتی میکنند مال التجاره از یک دسته تاجر میخرند و تاجر دیگر میفرشند حراجی هم معلوم است و مصادیقش خیلی واضح است.

ارباب گنجشرو - نظر بنده آنست که آقای مدرسی فرمودند اگر بنا شود که این اسمی را بیاورند اسمی دیگر هم هست که برده نشده است اگر هم یک قسمی بکنیم که بآنها اختیار بدهیم چنانچه یک لفظ و غیره در آخر بیفزاییم اینقدر کشیده که از مقصود خارج میشود عقیده بنده اینست که همان لفظ تجارت خودش در این جا کافی بود و اگر بخواهند تغییر بدهند باز آن پیشنهادی که آقای وحید الملک کرده اند بهتر است والا این جلو خیلی تجارتهای مقدره را خواهد گرفت.

افتخار الواعظین - علت اینکه اینجا شرح داده شده است اینست که بهر یک از اینها بلسان خارجه یک اصطلاح مخصوص دارد و یک کار مخصوص منحصری است حالا اگر در مملکت ما هر کدام از این اصطلاح مخصوصی ندارد و کار و وسیع نیست این را کار ندارم بنده هم عقیده ام اینست اگر اینها را در تحت مصداقی من بیع و بیشتری میکنند تمام این چیزها را شامل بود ولی آقای وحید الملک عقیده شان این بود که لفظ تجارت کافی نیست و باید شرح داد که مقصود چیست باینکه تجارت و کسب و کار و داد و ستد و هزار کلمه دیگر هم هست و می شود پشت سر هم نوشت.

رئیس - مذاکرات کافی نیست!

حاج امام جمعه - بنده در این باب پیشنهادی کرده ام.

(پیشنهاد فوق الذکر بمضمون ذیل خوانده شد پیشنهاد اینها را بیکر دائره امر شرکت را ضیق میکند اگر بهمان عموم خودش بگذاریم که شرکت اوامر تجارتی اینها را و آن افراد را که مایل است فرامیگیرد و الا تجارت موضوعات و مصادیقش منحصر باین ها نیست که این جا ذکر شده کتاب تجارتی ما کتابی است که دارای چندین هزار موضوع است و اینها که اینجا نوشته اند صد یک آنها نیست و اگر اینها را خارج از موضوع میخواهند بفرمایند که نمیتوانند بفرمایند خارج از موضوع است پس اگر میخواهند داخل بفرمایند بهتر این است که بطور تعمیم واگذارش بکنند که اینها و غیر اینها را هم شامل باشد اگر این عراض بنده را تصدیق مفرمایند که نعم المطلوب و اگر تصدیق نمفرمایند اینرا آقای مجیر توضیح بفرمایند که شرکت در دلالتی و حراجی یعنی چه.

رئیس - بفرمایند توضیح بدهید.

حاج امام جمعه - تصارف از لفظ حراجی که در السنه ما بگویند یک صرافی در تنزیم بود در این مملکت که یون خورده میکرد و حالا آن صرافی قدیم را کار ندارم اما امروز دیگر این اصطلاح ما نیست صرافی که میگویند همان است که آنجا پیشنهاد داد و ستد بکنند یا تنزیم معلوم است آنهم در شرح ما نیست و اما حراجی را خوبست مغیر توضیح بدهند که معنی آنهم معلوم نیست گویا آن شراکت ابدان میگویند یعنی میگویند ما چند نفر شریک می شویم مال یک تاجری را بفرشویم بایک کمیانی تشکیل بدهیم که مال مردم را حراج بکنیم هر چه حق گرفتیم شریک باشیم آنهم اگر باشد باز در شرع ما نیست و تکرار میکنم آن عرض خودم را که این قانون باین خوبی را اینجاء خراب کرده است خوبست سنی کنید

همان لفظ تجارت را بگذاریم که این قانون باین خوبی ضایع نشود.

رئیس - آقای مغیر در این باب چه میفرمایند.

افتخار الواعظین - صرافی منحصر بآنچه فرمودند نیست در راسان آقایان مسبقاً که صراف خانه های بزرگ است که پول میدهند برات میگیرند یا آنکه پول قرض میدهند خانه و ملک بیع و شری میکنند حالا اگر بعضی از اهل آن جمعیت بطریق خلاف شرع معامله بکنند این دلیل نمیشود که تمام اهل آن جمعیت معاملاتشان بر خلاف شرع است اما حراجی را که فرمودید جهت شرعی را فرمودید و بنده ملتفت نشدم که بچه علت حرام است البته هر چه آقا میفرمایند صحیح است عرض میکنم که رای بگیریم.

معین الرعایا - اولاً عقیده بنده همان است که همه آقایان گفتند که تجارت همه اینها را شامل است اما حراجی آن نیست که آقا فرمودند حراجی ممکن است چند نفر شریک شوند و یک سرمایه معین کنند مالی را بخرند و آنرا حراج کنند دلالتی همان است که آقا فرمودند پنج نفر و نفر با هم جمع میشوند بدون اینکه سرمایه بگذارند و شراکت ابدان میکنند و میروند معاملات مردم را میگیرند آن باید گذاشته شود صرافی را هم فرمودند در حقیت همه معاملات بانکی است حالا فقط صرافی جزء آن نوشته نشود صحبتی ندارد فقط لفظ دلالتی از این جا برداشته شود.

رئیس - رای میگیریم باصلاح آقای امام جمعه آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده فعلی قیام نمودند).

رئیس - قابل توجه نشد و فقره اصلاح پیشنهاد شده است قرائت میشود (بترتیب ذیل قرائت شد).

(۱) از طرف آقای عز الملک بنده پیشنهاد میکنم قسمت اول ماده یک این طور نوشته شود.

در کلیه این قانون مقصود از تجارت اشتغال بامور ذیل و امثال آنها است.

(۲) از طرف شاهزاده محمد هاشم میرزا بنده پیشنهاد میکنم ماده اول این طور نوشته شود مقصود از تجارت عموم داد و ستدهای شروع است.

افتخار الواعظین - بنده می بینم خیلی پیشنهاد از طرف آقایان میشود و چنین مینماید که اکثریت مجلس همان لفظ تجارت و معامله را کافی میدانند این است که بنده تمام این شرحی که نوشته شده پس میگیرم و همان ماده اولی که (۲) شرکت خصوصی عبارت از شرکتی است که ما بین چند نفر مسئول جامع و بلاحد منفعت میشود که بعنوان شرکت تجارت و معامله نمایند - رای گرفته شود کافی است.

رئیس - خوب در ماده دوم اول رای میگیریم آنوقت در ماده اگر جرح و تعدیلی لازم است آنجا میشود (ماده دوم باین مضمون قرائت شد).

ماده (۲) - شرکت خصوصی عبارت از شرکتی است که ما بین چند نفر مسئول جامع و بلاحد منفعت میشود که بعنوان شرکت تجارت و معامله نمایند - رای گرفته شود کافی است.

رئیس - رای میگیریم باین ماده آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

رئیس - تصویب شد ماده (۲) (بطریق ذیل

(۲۱) شرکت مختلطه ما بین چند نفر مسئول جامع و بلاحد و چند نفر شریک دیگر که مسئولیت آنان محدود بوجه آن است منتهی میشود که بعنوان شرکت تجارت و معامله نمایند.

رئیس - رای میگیریم بماده (۲۱) آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

رئیس - تصویب شد ماده (۲۹) (ماده مزبور بطور ذیل خوانده شد).

(۲۹) ملکیت سهم جامع را میتوان بدون رعایت ترتیبی بدیگری انتقال داد ولی برای انتقال سهم اسمی صاحب سهم باید مراتب را در دفتر خانه مرکز شرکت اظهار نموده و اظهار را در دفتر مخصوص ثبت و آن تغییر هم در ورقه سهم قید شود.

افتخار الواعظین - و آن تغییر هم در ورقه سهم قید شود زیاد است باید برداشته شود آقای ارباب پیشنهاد فرمودند مروند که تغییر هم در ورقه سهم قید شود وقتی که با حضور آقای رئیس در کمیسیون مذاکره شد معلوم شد که ماده گذاشته ایم که کافی است از این پیشنهاد آن ماده این است که گفته ایم هر سهمی که تمام وجه آن پرداخته شده است حاملی است و مادامی که تمام وجه آن پرداخته نشده است اسمی هست و سهم اسمی را وقتیکه میخواهد برود انتقال بدهد ناچار است بمقتضی آن ماده که اسم منتقل الیه را ثبت بکند منتهاش بآن ترتیب مفصل که فلان کس از فلان روز نقل کرد آنرا کافی میدانم که در دفتر مخصوص اظهار کند و در آن دفتر مخصوص ثبت کند و مطابق آن ماده که گذشته است آن ماده حکم میکند که چون سهم اسمی است باید نوشته شود و ما را کفایت میکند از این پیشنهادی که کرده اند.

معین الرعایا - انتقال سهم اسمی هیچ ممکن نیست که در روی ورقه آن قید بشود مثلاً یک سهمی که بنده داشته باشم که او را باید بدیگری منتقل کنم این باید درست ثبت شده باشد و اینکه میگویند در دفتر ثبت شود این بکلی غلط است و باید ببقیده بنده چنانچه اینجا نوشته شده است باید آنجا قید شود این اوراق اسمی دست هر کسی است میخواهد بدیگری انتقال بدهد باید بپرد بقره که اسم منتقل وهم اسم منتقل الیه روی آن نوشته شود اگر نوشته نشود آن اعتبار ندارد.

افتخار الواعظین - گویا عراض بنده را توجه نکردند بنده عرض کردم عین مقصود آقا است و باید همین ترتیب نوشته شود بجهت اینکه اگر روی سهم حاملی قید نشده باشد نمیتوانم بدیگری انتقال بدهم ولی برای انتقال سهم اسمی صاحب سهم باید مراتب را در دفتر خانه اظهار بدارد و مراتب در دفتر ثبت شود چون هر سهمی مادامیکه وجه آن پرداخته نشده است اسمی است و وقتیکه میخواهد ببرد او را بکسی بفرشد ناچار مطابق شرحی که در آن ماده نوشته شود در او مینویسد که این سهمیکه متعلق بفلانکس بود منتقل شده است بفلانکس و اسم منتقل الیه را باید بنویسد که باقی وجه این بر ذمه این شخص دومی است موافق آن ماده نما این چیزها خواهد شد پس اینکه ما بگوئیم از ظهر ورقه

سهم قید شود این زیادی است بواسطه اینکه بحکم آن ماده باید عمل شود

رئیس - مذاکرات کفافی نیست (گفتند کافی است)

رئیس - پیشنهادیکه مقرر از طرف کمیسیون میکند این است این جمله آخر حذف شود

حاج شیخعلی خراسانی - بنده پیشنهاد میکنم که این باقی باشد که مقدم باشد بر پیشنهاد ایشان

رئیس - پس رأی میگیریم باین ماده بدون حذف آقایانیکه ماده ۲۹ را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شده ماده (۳۸) الحاقی (بجارت ذیل قرائت شد)

ماده ۳۸ الحاقی - هر يك از سهام باید الاقل بامضای دو نفر از مدیران و يك نفر از نظار و در صورت تعدد مدیر والا بامضای مدیر و يك نفر از نظار رسیده باشد

لواءالدوله - بنده يك نفر از نظار را کافی نمیدانم بجهت اینکه شاید يك نفر مدیر باشد چون تعدد دارند از آنجا میشود دوفتر نظار باشد حالاهم که دوفتر مدیرش باز استحکام دارد که دوفتر نظار امضاء بکنند پیشنهادی هم میکنم

رئیس - رأی میگیریم بماده ۳۸ الحاقی آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۳۹ (بترتیب ذیل خوانده شد)

ماده ۳۹ - اگر سرمایه از صد هزار تومان بیش نیست سهم یابرس سهم از پنج تومان کمتر نخواهد بود در حدود دویست هزار تومان سهم یابرس آن لااقل هشت تومانی و در صورت تجاوز از ۲۰۰۰۰ تومان لااقل ده تومانی باید باشد

رئیس - مخالفی نیست رأی میگیریم آقایانیکه ماده (۳۹) را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده (۵۰) عبارت ذیل خوانده شد

ماده ۵۰ - مدیر یا مدیران شرکت برای مدت معین از میان شرکاء مسئول بانقلاب معین می شوند

حاج عزالدوله این مسئله ایجاب می کند گفته شد و اغلب آقایان موافق بودند که تغییر بکنند تعجب است که باز کمیسیون همان ماده سابق را پیشنهاد کرده است بنده انتخاب مدیر یا مدیران را بانقلاب شرکاء مسئول صحیح میدانم ولی منتعجب را صحیح نمیدانم که حتماً از جمله شرکاء مسئول باشد بجهت اینکه بنده از اینکه حق داده ایم که شرکاء مسئول مدیر را انتخاب کنند آنها اگر کسی را لایق دیدند از بین خودشان البته او را انتخاب خواهند کرد و اگر از بین خودشان کسی را لایق ندیدند شرکت مجبور نخواهد بود که از میان شرکاء مسئول حتماً انتخاب کند پس باعتبار بنده حق انتخاب را باید داد بشرکاء مسئول ولی آنها مخیر باشند که از مابین خودشان انتخاب بکنند یا از خارج محدود نباید باشد

که از مابین خودشان حتماً انتخاب بکنند

افتخار الواعظین - فقط برای اینکه بعضی از مواد دیگر را آقایان ملاحظه میفرمایند که کمیسیون پیشنهاد کرده است و زیاد مذاکره نفرمایند عرض میکنم در خدمت خود آقای رئیس باز صحبت شد پیشنهادی در اینخصوص از طرف آقایان نمایندگان شده بود که بنده در مجلس آن پیشنهاد را قبول کرده بودم و این پیشنهاد ها این بود که اگر چنانچه از بین شرکاء مسئول يك کسی لیاقت برای مدیری نداشته باشد از خارج میتوان انتخاب نماینده برای اینکه اگر از هیچك از شرکاء مسئول کار تجارت بر نیاید آنوقت چه باید بکنند ناچارند بپروند يك نفر غیر از شرکاء مسئول بیاورند مع هذا در کمیسیون وقتی كهالت و فلسفه این را فرمودند بنده هم قانع شدم و آنچه مستفاد شده است و فرمودند این است که موافق قانون باید مدیر از میان شرکاء مسئول انتخاب شود برای اطمینان عامه مردم باومنتهی در وقتی که مدیر تجارت را نداند و عالم به تجارت نباشد آنجا فرمودند مجبور نیست آن کسیکه او را انتخاب کرده اند خود او برود معامله و تجارت بکنند بکنفر با دو نفر از میان شرکاء مسئول را بسمت مدیری معین میکنند اگر آنها هم علم تجارت نداشته باشند ممکن است که از طرف خودشان دوفتر سه نفر مستخدم امین که عالم به تجارت باشد معین ولی مدیر بحکم قانون در هر حال باید از میان شرکاء مسئول باشد

ارباب کیشور - اینجا دو شکل مدیر مسئول انتخاب میشود فقط برای امضای سهام و برای ترتیب خود اداره است نه برای اداره کردن کارو یکی مدیری است که کار را اداره میکنند البته آن مدیریکه از بین شرکاء انتخاب میشود برای امضای سهام باید از شرکاء مسئول باشد و در آن بنده هیچ ایرادی ندارم آنوقت هم ایرادی نداشته ولی اگر برای کار باشد هیچ مجبور نیستند که حتماً از مسئول باشد از خارج هم میتوان انتخاب کرد زیرا که باید از میان شرکاء مسئول کسانی انتخاب شدند که سر رشته تجارت نداشته باشند بنده نمیدانم آن شرکائی که بحدیث کار نداشته باشد چگونه پیدا میکنند اشخاصی را که بحدیث داشته باشند یا اینکه اگر احتمال برود که شرکاء از میان خودشان نتوانند کسانی را انتخاب کنند آنوقت چه باید کرد پس این جا باید تفکیک کرد که اگر آن مدیرانی باشند که برای امضاء انتخاب میشوند باید معین کرد که از شرکاء مسئول باشند بنده حرفی ندارم ولی اگر آن مدیری است که باید کار را اداره بکند بنده مخالف هستم باینکه قید شود که حتماً باید از بین شرکاء مسئول انتخاب شود

افتخار الواعظین مراد از مدیری که میفرمایند آن هیئت رئیسه که باید امضاء بکنند سهام را از طرف شرکت که میفرمایند باید مسئول باشند نیست مراد آن مدیرانی هستند که برای شرکت معامله میکنند و در عمل تجارت هستند

(بعضی گفتند اینطور نیست)

بنده خواهش میکنم که بر بنده ایراد نکنند به آنکسی ایراد بکنند که این توضیح را داده است

مراد از مدیر آنکسی است که طرف معامله واقع میشود و او بحکم قانون قانون باید از شرکاء مسئول باشد اگر علم تجارت را نمیدانست میبرد تجاری را استخدام میکند

رئیس - چون مدتی از شب گذشته است خوب است مابقی را محول کنیم بجلسه دیگر کمیسیون داخله بنا بود راجع بمنع احتکار راپورت بدمد که برای بعد از ظهر جزء دستور شود

دستور فردا راپورت کمیسیون داخله راجع به منع احتکار راپورت کمیسیون معاصرات راجع به تفریح بودجه مجلس مذاکرات راجع به تعدیل مجلس راپورت کمیسیون بودجه راجع بحسام همایون اگر وقت شد بقیه قانون شرکتهای تجارتی

(مجلس يك ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۳۳۳

صورت مشروح روز دو شنبه ۲۱ شهریور ذی قعدة الحرام ۱۳۲۶

رئیس - آقای موتین الملك سه ساعت قبل از غروب آفتاب بصندلی ریاست جلوس نموده پس از دقیقه مجلس تشکیل شد

صورت مجلس روز یکشنبه (۲۰) را آقای میرزا رضا خان نائبینی قرائت نمودند

غائبین جلسه قبل

بدون اجازه - آقایان میرزا ابراهیم خان معتمدالتجار - طباطبائی - غائب با اجازه - آقای دکتر لقمان مریش آقا سید محمد باقر ادیب - آقایانیکه از وقت مقرر حاضر نبوده اند دکتر امیر خان یکساعت و ۴۵ دقیقه - آقا میرزا ابراهیم قمی یکساعت و نیم - آقای معزز الملك ۴۵ دقیقه - حاج وکیل الرعایا ۴۰ دقیقه

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست

آقا میرزا احمد - قسمت راجع بتشکیل کمیسیون پنجفتری را دوباره بخوانند مجدداً يك قسمت از صورت مجلس راجع به مخالفت آقای ادیب التجار در خصوص تشکیل کمیسیون پنجفتری قرائت شد

آقا میرزا احمد - بواسطه مخالفت را پس از مخالفت بنویسند

رئیس - صحیح است پس از مخالفت نوشته می شود

محمد هاشم میرزا - در صورت مجلس نوشته شده است که به پیشنهاد آقای حاج عزالدوله و پیشنهاد بنده رأی گرفته شد پیشنهاد بنده رد شد و حال اینکه در پیشنهاد بنده رأی گرفته نشد

رئیس - نوشته نشده است که رد شد

افتخار الواعظین - بنده دیشب وقتی که دیدم دو باب ماده قانونی شرکتهای پیشنهاد زیاد است عرض کردم باده دویم رأی گرفته شود چون با آن توضیحاتی که بنده و سایرین دادند باز مخالفت میشد و يك كلمه معامله هم اضافه کردم و آقای رئیس فرمودند که ماده اول بماند بعضی تغییراتی اگر لازم است داده شود و بعد بیايد بمجلس رأی گرفته شود و حالا می بینم که از صورت مجلس طوری نوشته

است که اینطور میفرمایند که بنده تقاضا کردم ماده اول حذف شود ماده دوم بجای ماداول گذاشته شود

رئیس - آنچه خود شما گفتید که مخیر کمیسیون بودید همان صحیح است

ادیب التجار - بنده امروز این مخالفت نکردم و موازنت فکری با آقای رئیس الواء نشود در تشکیل کابینه منکر این شدم که کمیسیون پنج - فتری تشکیل شود ولیکن مدعی شدم باینکه كمك فکری لازم است ولی خوب است حضرت مستطاب رئیس كمك در تشکیل کابینه بایشان بفرمایند و اینجا داور دیگر نوشته شده است

رئیس - اینجا هم همینطور نوشته شده است که با تشکیل کمیسیون مخالف بودید چیز دیگری نوشته نشده است

حاج آقا - بنده در اول عرایض خودم عرض کردم که مخالف با امتداد مجلس نیستم و اگر چنانچه اکثریت رأی داد که امتداد پیدا کند در آن صورت تا مجلس باقی باشد ولی نه بعنوان قانون گذاری فقط باید در اجرائیات نظارت بکنند ولی نه باین طور که قانون بگذارند خوب است در ضمن نظر بنده اینهم نوشته شود

رئیس - همینطور اصلاح میشود دیگر در صورت مجلس ملاحظاتی نیست (اظهاری نشد)

صورت مجلس باین اصلاحات تصویب شد - در باب امتداد مدت مجلس همانطوریکه بنا شده بود این مطلب رجوع شد بکمیسیون تغییر و معارف راپورتی داده اند که طبع و توزیع شده است و راپورت منع احتکار چون طبع و توزیع شده است بواسطه کمیسیون - هائیکه تشکیل شده بود کمیسیون داخله تشکیل نشد و نتوانستند راپورت بدهند باینجهت راپورت راجع بامتداد مجلس را مقدم میسازیم (گفتند صحیح است) راپورت کمیسیون معارف و تفسیر بیبارت ذیل قرائت شد (کمیسیون تفسیر و کمیسیون معارف روز دو شنبه ۲۱ شهر ذی قعدة متفقاً مسئله امتداد مجلس شورای ملی را مطرح مذاکره قرار داده پس از مشاوره طولانی که ماده دلیلاً بمجلس شورای ملی پیشنهاد میشود

ماده اول - بنا بر اینکه از طرف ملت در ریاست و نقاط مهمه دیگر تقاضای عدیده تلگرافی و کتبی برای امتداد مدت مجلس شورای ملی رسیده و تقاضای خود را مبتنی بر این دلایل نموده و اقدامات مرتجعین و دشمنان استقلال مملکت و اساس مشروطیت هنوز کاملاً مرتفع نشده و مختل است که در بهار آینده نیز مشکلاتی برای دولت و مملکت پیش آید و تهیه جلوگیری از مشکلات مزبوره منتهای ضرورت و فوریت را دارد و ممکن است انتخاب نمایندگان جدید بتعویق افتد و در این ایام مسافرت هم برای دولت مشکلاتی ظهور کند بملاحظه اینکه مجلس شورای ملی هم این احساس را کرده و آن اظهارات را تصدیق دارد علیهذا تا موافقی که مجلس آینده تشکیل قانونی یافته و نصف بملوه يك از کابینه نمایندگان ملت در ریاست حاضر شوند مجلس شورای ملی کماکان امتدادی باید

ماده ۲ - برای آنکه حتی الامکان امتداد مجلس حالبه بطول باینجامد از طرف ریاست مجلس شورای ملی و هیئت وزراء بمردم انجمنهای ایالتی و ولایتی

حکام و سایر مقامات لازمه مراتب فوق اطلاع داده شده و در تسریع انتخابات جدید و اعزام نمایندگان هر محل تا کید خواهد شد

رئیس - آقای حاج امام جمعه در ماده اول مخالف هستید بفرمائید

حاج امام جمعه - در این مسئله دیر و زو بریروز مذاکرات مختلف شد آقایان نمایندگان اگر يك مختصر مساعدتی بفرمایند شاید این مسئله بيك جای خوبی منتهی شود گمان میکنم که بیچسب اختلافی در این نداشته باشد که بمقتضای احوالات امروزی و حالت حالبه مملکت بودن مجلس خیلی لازم و خیلی مفید است و جمعی از نمایندگان که دیروز و بریروز مخالفت می کردند تصور نمیکنم مخالفت آنها راجع باینجهت باشد بنده هم تصدیق دارم که بودن مجلس امروز لازم است لیکن این مسئله بنظر بنده دو اشکال دارد اگر آن دو اشکال بنده را رفع بکنند من هم یکی از موافقین هستم و موافقت خواهم کرد یکی از آن دو اشکال بنده اینست که بنده این رأی را مخالف با قانون اساسی میدانم و اعتقاد اینست که مجلس نمیتواند این رأی را بدهد و این را باید فی الحمله توضیح و تشریح بکنند در دو سال قبل که نظامنامه انتخابات را مینوشتند بنده هم بودم و چون مکرر در این مسئله مذاکره شده است میخواهم این مسئله را درست بشما توضیح بدهم در موقع نوشتن آن نظامنامه محتاج شد کمیسیون که چهار ماده از اصل قانون اساسی را نسخ بکنند چون حق نسخ نداشت بولایات و ایالات تلگراف کردند آنها هم رجوع کردند باین مسئله را با انجمن ایالتی آذربایجان انجمن ایالتی آذربایجان این چهار ماده را نسخ کرد معنی نسخ ماده را البته آقایان نمایندگان میدانند یعنی هر یکی از آنها آمطی که درش بود يك مطلبی برسد او در نظامنامه انتخابات نوشته شد مثلاً يكی از آنمواد این بود که نمایندگان طهران ۶۰ نفر است در نظامنامه انتخابات نوشته شد ۱۵ نفری پس این ماده نسخ شد يكی از آنمواد این بود که هر وقت نمایندگان طهران منتخب و حاضر باشند مجلس میتواند متعده بشود این ماده هم نسخ شد و نوشته شد که بحضور نصف بملوه يك از کابینه نمایندگان مجلس افتتاح میشود يكی دیگر هم این بود که ابتدای مجلس از روزی است که تمام نمایندگان مجلس حاضر بشوند این ماد هم نسخ شد و نوشته شد ابتداء دوره از روزی است که مجلس افتتاح میشود دیگر ماده دیگری نسخ نشد آنچه چهار ماده عبارت است از ماده ۴ و ۵ و ۶ و ۹ این چهار ماده از قانون اساسی نقض شده است ولیکن ماده ۵ صریحاً میگوید که مدت وکالت نمایندگان دو سال است این ادا نسخ نشده است و دلیل اینست که نسخ نشده است دو چیز است اگر چه نسخ نشده است دلیل میخواهد نسخ دلیل میخواهد با وجود این بنده دلیل این را عرض میکنم اولاً مقدمه همان نظامنامه را ملاحظه بفرمائید که نوشته شده است چهار ماده از قانون اساسی تغییر داده شده است باینجهت موده خواهش میکنم که هر کس میخواهد ادله بنده را رد بکند همین قسم بطور عینی رد کند حالا اگر میگویند که آن ماده هم نسخ شده است اینطور نیست آن ماده نسخ نشده است

و عنیده بنده این است که این مجلس هم نمیتواند یکماده از قانون اساسی را نسخ کند چون نمیتواند نسخ بکنند امتداد مجلس دادن مانع تجدید انتخاب وکیل است یا امتداد موقع وکالت است اینست که نمیشود این يك اشکال بنده است و اشکال دویمی که دارم این است که بفرض مجلس آمده يك همچو رأیی داد به بنیم این رأی مفید است یا خیر بنظر بنده رأی مفید نیست چرا مفید نیست بدو جهت اولاً اختیار نمایندگان بدست ملت است و آنقدریکه بشما اختیار داده اند میتواند اختیار باشد اینجا بنشینید و بیش از آنکه ملت اختیار داده است نمیتوانید بنشینید بجهت اینست که اختیار ما درست خودمان نیست در دست ملت است اختیارات وکیل در حدودی است که موکل او قرار داده است آیا موکلین شما این اختیارات بشما داده اند که بعد از گذشتن و قبول آن شما خودتان را انتخاب کنید (گفتند بله بموجب تلگرافاتی که رسیده است) عجله لازم است بنده که حالا حرفم را تمام میکنم شما بیائید عرایض بنده را رد بکنید اگر چه بنده اول حس کردم که اکثریت مجلس امتداد مجلس را میبایست - حالا میبرسم از آقایان نمایندگان آیا بیش از آنکه ما انتخاب شویم بیائیم به مجلس این اختیار را داشتیم که بهمه چیز ملت حکم بکنیم یا نداشتیم معلوم است که نداشتیم و این اختیار را آنها بامداد داده حالا به بنیم آنها به چه قسم اختیار داده اند همانطور باید رفتار بکنید و همانطور که ملت بشما اختیار نداده است که در قانون اساسی تجدید نظر بکنید باینکه اصلی از آنرا تغییر بدهید و نسخ بکنید همانطور هم اختیار نداده است که مدت وکالت خودتان را امتداد بدهید خودمان را منتخب کنید این اولاً ثانیاً اگر میفرمائید چنانچه دیروز در اینجا گفته میشد که ما خودمان را انتخاب نمیکیم مدت ما را انتخاب میکنند اینجا از وجدان شما میبرسم اگر چنانچه همین تلگرافها را که از ولایات بهار رسیده است در حق يك هفتاد نفری غیر از ما میبرسد آیا ما میتوانستیم آنها را بیاوریم اینجا بشناسیم و نماینده ملت بشناسیم یا نمیتوانستیم (اظهار شد نمیتوانستیم) پس معلوم است که همیشه بجهت این مجلس رسمی دارالشورای ملی است و بعد از پس فردا که آخر انتخاب شما است ما و آن ها در خارج هستند يك نیم و با آنها تفاوتی نخواهیم داشت پس بنده مخالفم ولی اینطور که مخالفه کاین مجلس رسمی دارالشورای ملی است و بعد از پس فردا که آخر انتخابات شما است ما و آنها که در خارج هستند يك نیم و با آنها تفاوتی نخواهیم داشت پس بنده مخالفم ولی اینطور مخالفم که این مجلس را بخواهند امتداد بدهید امتداد قانونی که مجلس پس فردا هم مثل مجلس امروزی باشد بنده این تصور نمیتوانم بکنم دیگر آنکه واقعاً اگر کسی رفع اشکال مرا بکند من خیلی مایم که این مجلس باشد بواسطه اینکه درست است امروزه خیلی اشکالات در پیش است اما این دو تا اشکال در نظر بنده هست و خیلی هم فوت دار باوجود این اگر این مجلس امروز منحل شود اینهم معایب دارد بي شك آنچه بنظر بنده میرسد اینست که امروز باید این مجلس باشد ولی بعنوان مجلس مشاوره نه بعنوان قانون گذاری باشد هفته یکمرتبه باید بنشینند مشاوره بکنند و نظر باشند

در تسریع امر انتخابات و تأکید بکنندگان و وکلای زودتر حاضر شوند و یکی هم ناظر احوال وزراء باشند والا بنده نمیتوانم که بعنوان قانون گذاری تصویب کنم مجلس باقی باشد .

دکاء الملک مخبر کمسیون - - -
در خصوص مخالفت این باقانون اساسی که فرمودند این مسئله هم سابقاً در مجلس در موقع قانون انتخابات هم مذاکره شد ولی مجلس در این باب رأی قطعی نداد یعنی آنوقتی که صحبت در این بود که دوره تقنینیه را از دو سال سه سال قرار بدهیم بعضی از آقایان اینطور اظهار داشتند که این مسئله مخالفت باقانون اساسی است و بعضیها هم مخالف نمیدانستند و ادله هم اظهار شد و مقصودم این است که این یک سابقه هم دارد در مجلس رأی قطعی داده شد که این مخالف باقانون اساسی است و من میتوانم بگویم که میتوان اینرا مخالف باقانون اساسی ندانست و اینکه فرمودند چهار اصل بیشتر از قانون اساسی منسوخ نشده است ولی آن اصل (۵۰) را که فرمودند در آن تصریح شده است که مدت دوره تقنینیه دو سال است مقصود از این اصل یعنی دوره تقنینیه نبوده است بلکه میخواهد برساند که در یک دوره تقنینیه رئیس دولت بیشتر از یکمرتبه حق ندارد مجلس را منقضی نماید مثل این است که دوره انتخابیه را خواسته اند که توضیح میکنند که چقدر است و چون در ماده دیگری تعیین شده بود دو سال اینجا هم دو سال را معین کرده است نه اینکه مقصودش این بوده است که بگوید دوره تقنینیه دو سال است یعنی در آن دوره انتخابیه که در اصل دیگر گفتیم دو سال است مجلس یکمرتبه بیشتر منقضی نمیشود ولیکن وقتی که بنادش آن منسوخ باشد اینهم منسوخ است یعنی این لفظ دو سال که تابع او است منسوخ است این اصل (۵۰) منسوخ نیست چرا که میگوند در هر دوره انتخابیه رئیس دولت یکمرتبه بیشتر حق انقصال مجلس را ندارد این اصل بجای خودش هست اما اینکه این توضیحی که از دوره انتخابیه کرده است میتوانم بگویم که چون آن اصل منسوخ است تابع هم که ناشی از اوست منسوخ است و اما اینکه فرمودند ما این اختیار نداریم که دومرتبه خودمان را انتخاب کنیم بنده عرض میکنم ما خودمان را انتخاب نمیکیم و تصدیق میکنم که اگر ما اینجا خودمانرا انتخاب میکردیم حق نداشتیم بلکه همانطوریکه خودشان هم تصدیق فرمودند که اگر در این موقع مجلس منقضی شود و یک ایام فترتی حاصل شود بین این مجلس و مجلس آتی علت تولید مفاسدی خواهد شد برای همین مقاصد امتداد مجلس را تقاضا کرده اند و ما هم تقاضای آنها را قبول میکنیم و تصویب میکنیم نمیکویم که ما ناچار وکیل هستیم برای یک دوره انتخابیه و ما خودمانرا انتخاب میکنیم میگویم باید انتخاب جدید شود و وکلای ملت باید تا آنجا انتخاب شود تقاضا میکنیم از دولت که سرعت در انتخابات دوره جدید هم بکنند و تنها میکنیم که هر چه زودتر اقدامات بکنند برای انتخابات دوره جدید تا نصف بملایم اکثریت نمایندگان جدید حاضر شوند و مجلس آتی افتتاح بشود علاوه بر این مملکت را هم خالی از مجلس و ملت را بدون نماینده نباید گذاشت علت اینکه در قانون اساسی

هم مصرح و واضح است که نباید ملت بی نماینده باشد و نماینده باید داشته باشد حالا آن نمایندگان ممکن است وقتی تعطیل کنند باختر خودشان آن یک امری است علیحده ولیکن حالا ملت را بی نماینده نمیشود گذاشت ملت حتی الامکان باید نماینده داشته باشد و بی نماینده نباید حالا همچو پیش آمده است که میگوند ملت نمیتواند که یک مدتی بی نماینده باشد و بدون مجلس شورای ملی پس این را بر تریبی که مردم اظهار کرده اند برای جلوگیری از مفاسد و ازوم ضرورت است و بنابراین خواهش خود ملت است امتداد مجلس و ما خودمانرا انتخاب نمیکیم پس باعتبار بنده اینجا آن شکلی که آقای حاج امام جمعه فرمودند ما آن رأی را نمیدانیم که اختیار نداشته باشیم بلکه تقاضای یک جمعی از ملت را تصویب میکنیم اما در مسئله اینکه فرمودند تصدیق میکنم که امروز مجلس باشد و رفتن مجلس امروز خیلی مضر است و خطرات دارد ولی باید یک مجلس مشاوره باشد عرض میکنم که این فرمایش آقای حاج امام جمعه نقص عرض مارا میکند و باید دانست که غرضان چیست که این رأی را میدهم غرضان نه اینست که ما فقط اینجا باشیم بلکه مقصود ما از این امتداد اینست که آنوقت کسی که از وجود مجلس شورای ملی در مملکت حاصل میشود از آن حاصل بشود و الا اگر بنا باشد که ما بیایم و آن نتایج و وظایف مجلس شورای ملی را نداشته باشیم چه حاصل دارد مانند یا میرویم که بهتر است در صورتی مانند ما مفید است که آن نمره که بوجود ما مترتب بود آن نمره را باز هم بدیم والا رفتن ما بهتر است .

آقای سید حسن مدرس - - - آنچه باید عرض میکنم که در روز عرض کردم لکن امروز مختصرش را عرض میکنم که صدمه نظر یابر صلاح مملکت و مصالحی است که مترتب بر بقای مجلس است هر چه مکرر اینجا صحبت میشود فقط عمده نظر در اصلاح مملکت است که بیستم بر بقای مصالحی مترتب است باینست اگر واقفاً بر بقای مصالحی مترتب است بدون اینکه مقاصد مترتب باشد دیگر مقتضای قانون اساسی یا مقتضای قانون اساسی نیست بنده این را نمفهمم حالا معلوم است که مصالحی بر بقای مجلس هست و اما در معرض اینهم هست که یک جهانی مترتب بود که آنجهات

آقای مدرس - - - خیر مطلب را مکرر عرض نمیکم هر چه تکرار عرض کرده بفرمائید تکرار است و اگر امروز این جمعیت را نداریم دیگر محلی برایش نیست که عرض کنم عرض میکنم حالا شبه نیست که مصالح بر بقای مجلس مترتب هست و اما در معرض اینهم هست که بعضی احتمالات داده شود که وقوع آن ما مزاحم با مصالح مقدره باشد مثلاً اگر خدا نخواسته از یک نقطه یا دونه تلگرافا یا کتبیا مغایره شد که شایب قانون نشسته اند این و هن مبارزه با مصالح بسیار بزرگ میکنند تو هن باس می شود و هیچ مصالحی با آن مقابله نمیکند پس اگر میتوانست قسمی بشود که از سایر نقاط هم یک اظهار مساعدتی بشود که احتمال این مضار فرود خیلی بهتر

است و یک مصالحی در ابقاء خواهد بود بدون مضار والا راهی نداریم برای این و برای رفع این مقاصد و اگر یک جماعتی اظهار بدارند که مقابل این مجلس صحیح نیست این و هن جلوگیری از تمام مصلحتها که در جلو ما و آقایان است خواهد کرد پس خوب است یک طوری بشود که این مطالبی هم که ما می بینیم سایر نقاط هم اعلام کنیم و یک مقدار مساعدتی هم بشود از جانب دولت یا از جانب دیگران که از سایر نقاط هم این مطالبی را که ما می بینیم بآنها هم اعلام کنند که این مطالب هست که آنها هم ملتفت باشند که بقای مجلس بواسطه مصالحی است که باید باشد که خدای نخواسته متعاقب بچیزیکه موجب این و هن اساسی مشروطیت میشود نشود .

قای سید محمد رضای همدانی - - - عرض کنم اولاً جواب جناب آقای اقرار عرض کنم که میفرمایند که از سایر نقاط هم تکلیف بخواهد اگر یک جمعی تلگراف کنند که چرا اینجا نشسته اند در مجلس سیاست جمعی از حدود استرآباد یا کرمانشاه یا جای دیگر مجبوراً تلگراف میکنند که ما اصلاً مشروطه را نمیخواهیم پس ما باید در مجلسمان را به بندهم چه خبر است که از کردستان تلگراف آمده است که ما مشروطه نمیخواهیم این جواب آقای مدرس و تمام مذاکراتیکه میشود و مذاکراتی که دیروز و پریروز در مجلس شده است تماشای شاخ بدو چیز است دیگر هر چه صحبت شود تماشای شاخ و برگ است و یک مسئله عریض نیست اینست که میگوند امتداد مجلس خلاف قانون است اینرا همه کس می داند حتی جاهل هم میدانند که یک مدت یعنی شما وکیل بودید حالا حق ندارید باشید این یک مسئله عریض مشکلی و از مثل افلاطونی نیست که نفهمم یک مسئله آشکاری است و همه میدانیم و آن اشخاص هم که میگوند مجلس باید منته باشد این مسئله را یقیناً فهمیده اند که دیگر حق ندارند و اگر بخواهند بمانند خلاف قانون است ولی درد ما اینست که این مسئله مسلم است نزد جیب عقلای عالم که یک خانه کوچک و یک خانه بزرگ اداره امورش نمیشود مگر بیک مرجع خوف و رجاء دستگاه خدا هم همینطور است تا خوف و رجاء نباشد هیچ خانواده و مملکتی اداره نمیشود در هفت سال قبل در این مملکت مردم یک عقیده داشتند که پادشاه ظالم است هر چه بخواهد میشود همینقدر اداره سینه اش قرار بگیرد که جمعی هلاک شوند میشود بآنکه هر چه اراده اش تعلق بگیرد باید همان بشود ولی از پنج سال قبل تا حال ما هر چه توانستیم این عقیده را از مردم یعنی از اذهانشان خارج کردیم که سلطان باشا تفاروتی ندارد مثل شما است تا آنکه مردم را جرئت دادیم و سلطان را خلع کردند و بساط استبداد را برچیدند بساط عدل و داد و مشروطیت بپا شد غرض اینست که از شخص سلطان آن توهمات گرفته شد و بعد هم مشروطه شد مثل سایر ممالک نطفه ای که سلاطین مشروطیت در پارتالمان خودشان کردند والا حضرت هم فرمودند که من نمیتوانم از جزئیات و کلیات مطالب مستقیماً بکلیه امور مداخله کنیم و اختیاری ندارم پس آن ایهت و آن سطوت و آن خوف و رجاءیکه باید از هیئت سلطنت باشد بعد از آن مرجع خوف و رجاءیت دولت است هیئت دولت هم بواسطه کثرت

از روزیکه در روزنامجات نسبت بآنها که نوشته شد امروز دیگر آن اهمیت را ندارد پس چیزیکه الان در مملکت یک ایهتی دارد مجلس شورای ملی است که یک عظمت شان و یک ایهت فوق العاده دارد در نظر کلیه اهل این مملکت چه بنظر عقلا شان چه بنظر جهالشان هیچ فرق نمیکند اینجا مرجع خوف و رجاء خودشان را مجلس میدانند این شبه ندارد پس اگر آمدیم مجلس را منحل کردیم دیگر مرجع خوف و رجاء مردم کیست مردم چه دارند اگر بگویند هیئت دولت هیئت دولت بطوری گرفتار است که نمیتواند برسد و کار مملکت یکطوری است که هیئت دولت نمیتواند یک یا زده روزی مملکت را امن بکند و شما که مقیده بانفصال دارید یک چیزیکه محل خوف و رجاء مردم است بین نشان بدهید آن وقت منم بگویم که مجلس نباشد پس وقتیکه یک محل خوف و رجائی برای مردم نباشد و محل خوف و رجاء یا توهم است یا واقعی است واقفاً هم همین است باید مجلس محل خوف و رجاء باشد و جمله هم صحیح فهمیده اند باید محل خوف و رجاء مجلس باشد من میگوم اینست که شما حمله میکنید میخواهد مشروطیت شمارا از دست شما بگیرد والا چهار ماه است که باقوای مادی و معنوی دارد باشما نزاع میکنند باشما جنگ میکنند باشما اشکال مختلف برای شما اشکالاتی فراهم میآورند آیا همانکس نمیتواند در موقع انتخابات ایجابی فراهم می آورد آیا همانکس نمیتواند در موقع انتخابات اسبابی فراهم بیاورد از نقاط که انتخابات بتأخیر بیفتد امروز و فردا همان اشخاصیکه با شما نزاع میکنند در بعضی جاها اسبابی فراهم میآورند که انتخابات بتعویق خواهد افتاد و یک دسیسه و خدعه میکنند که در تر انتخابات بعمل بیاید پس اقلاً ما میتوانیم باین امتداد وسیله را از دست آنها بگیریم و بآنها بگوئیم که تو بگو و بسور ما مجلس مشروطه را داریم و کسانرا داریم که فقط حفظ حقوق ملت را بکنند پس ما باینجهت باید صورت مجلس را حفظ کنیم و باینجهت باید مجلس را داشته باشیم و کسی نتواند یک سکه وارد کند این دلیل اول من است و آن قسمتی هم راجع بقانون اساسی است عرض کردم آنکس که میگوند باید مجلس امتداد باید برای ضرورت میگوند اینهم مسئله عریض نیست از مثل افلاطونی که نیست ضرورت است شما چرا حکومت نظامی دارید ضرورت مملکت اقتضاء کرد و در صورتیکه قانوناً باید در محاکم قضائی معاکمه و استنطاق شما همین معاکمه را آوردید سیریدید بهیئت دولت و پرونده ماسلمین را بدست اهل حزب بجهت اینکه گفتید ضرورت اقتضاء میکند که ما آنجا که قانونی را از آنجا برداریم بسیار بدست بکنسته از اهل حزب در صورتیکه اینکار را در مملکت قانونی ماحق نداشتیم بکنیم ولی بحکم ضرورت این کار را کردیم برای تبعه ماسلمین گفتیم که اگر جمعی بدون جهت هم کشته شدند بشوند برای حفظ سی کرور مسلمین دیگر و حفظ حقوق آنها و حفظ دماء آنها اینکار را کردیم پس مسلم شد که حکم ضرورت اقتضاء کرده است و هیچ خلاف قانون هم نیست که ما کرده باشیم همان اشخاصی که شمارا فرستاده اند آنجا همان اشخاص در موقع ضرورت هر چیزی که اسباب حفظ شان باشد

بشما اختیار داده اند که بکنید همان اشخاص که اختیار دماء خودشان را بشما داده اند الا ان هم اختیار میدهند که تا دوره جدید یعنی نصف بعلاوه یک از نمایندگان دوره جدید حاضر شدند حفظ حقوق ایشان را نمایند حفظ دماء آنها را بکنید دیگر آنکه ما اینجا نشسته ایم که حفظ قانون اساسی بکنیم ما نمیخواهیم برای شهرت نفسی خودمان اینجا نشستیم دلیل خودمان استمداد بدیم مجلس را مانعش حفظ تمام قانون اساسی می خواهیم اما اینجا جلوس بکنیم برای حفظ تمام مواد قانون اساسی نشستن ما در این جا برای همین است بفرض ما از تمام قانون اساسی یک مواد اورا نقض بکنیم بسیار خوب است نقض بشود برای اینکه نقض یکسکاهه برای حفظ تمام مواد قانونی است و حال آنکه نقض نمیشود اینهم یک مسئله اما آمدیم سر این مسئله که میگوند اینست که تلگرافات کفایت نمی کنند بنده میگوم اگر این تلگرافات کفایت نمیکند پس بچه جهت تمام این مملکت اختیار خودشانرا سیرند و اینجا اینجانی بود بچه فاعده سیرند برای اینکه نظر تمام اهالی مملکت تا آذربایجان بوده است و تمام مملکت اختیار خودشان را واگذار کردند بدوازده نفر اعضای انجمن ولایتی آذربایجان برای چه اینکار را کرده اند برای اینکه اوضاع مملکت اقتضاء کرد و حالا هم در این مسئله امتداد فقط از آذربایجان تنها تلگراف نشده است از انجمن خراسان از انجمن گیلان و جاهای دیگر مثل قم و قزوین و سمنان و سیر و قزوین و قزوین که تلگراف نیامده است مجلس شورای ملی از شیراز است این مسئله را هم نگفته نگذاشته باشم که آن اشخاصیکه تلگراف کرده اند البته وجدان دارند من می بینم که اگر مجلس نباشد خطراتی باین مملکت روی میآورد که همه آقایان بهتر از من میدانند آمدیم سر مسئله که مخالفت قانون است این مسلم است که هیچ قانون آسمانی و زمینی در مقابل ضرورت مقاومت نمیکند ضرورت حاکم است بر جمیع قوانین آسمانی و زمینی مثلاً شرب خمر در مذهب اسلام حرام است اما یک وقتی همین حرام را شرع تجویز میکند مثلاً بنده لقمه در کوبم مانده است و آبی نیست که بخورم آن لقمه را باین ببرد ظرف شرابی هم هست من بحکم ضرورت ناچارم که آشربا را بخورم که رفع گدو گرفتن مرا بکند اما اینکه میفرمایند بعضی جاها تلگرافات نکرده اند البته استرآباد نمیتواند تلگراف بکند اگر استرآباد یا جاهای دیگر می توانستند تلگراف میکردند ما چرا این حرفها را میزنیم که خودمان اطلاع داریم از بعضی جاهای مملکت جهت او همین گرفتاری آنها است که ما میخواهیم مجلس را امتداد بدیم که رفع گرفتاری آنها را بکنیم و دیگر آنکه میگوند ما باید فرد این مجلس را بگذاریم بروم این یک مسئله را هم من از وجدان آن اشخاصی که منکرند سؤال میکنم که اگر جمعی از مردم شمارا بخانه خودشان مستحفظ کرده باشند که شما مستحفظ خانه ما باشید و آن اشخاص که مستحفظ گذاشته اند ما آن مستحفظین حس کرده اند که یک خطری بآن خانه خواهد رسید یعنی یک جماعتی درد در کفین این خانه هستند که میخواهند این خانه را

آتش بزنند و آنکس که مستحفظ گذاشته است بآنها میگوید که شما تاصبح خانه مرا محافظت کنید تا یک دسته دیگری بیایند و آنکس که مستحفظ گذاشته است مطمئن است که مستحفظ گذاشته است میرود بی کارش و اشخاص که مستحفظ آنگاه هستند می بینند که خطرات بزرگی برای این خانه در پیش است و ما آن مدتی هم که باید محافظت کنند محافظت کرده اند و حالا نوبت مستحفظین است که باید بیایند ولی چون میبینند که اگر بگذارند بروند این خانه را دزدان آتش میزنند و تا آسمان آنها خطرات برای اینخانه هست و اول طلوع صبح که میشود میبینند که آن دزد پهلوی خانه نشسته است مداخله صبح میکنند میروند و خانه را دزد ها هر کاری که میخواهد بکنند صاحب خانه میاید میگوند چرا رفتید شما میخواستید باشید و شما دیدید بآن جهت که من شما را گماشته ام در همان وقتی که خطر متوجه شده است گذاشته رفته اید آن وقت آنها چه خواهند گفت میگوند تا آن وقتی که گفتید باید باشید ما بودیم گفتیم شاید شما بمالان بیشتر از آن مدت را تعهد بیا شاید شما راضی نباشید باینجهت ما رفتیم آیا این را می شنوند که تو که از سرش تا صبح حقوق گرفتی پس حالا که اول حفظ و نگاهداری تو بود گذاشتی رفتی اینست جواب عقلانی او میگوند که تو واقفاً حس کردی که دزد خواهد آمد ولی باز میگویی که من رفتم و تا حال این که تو اذن ندیدی براضی نباشی بیش از این بمانم من رفتم آیا این جواب عقلانی است پس یکی از جهاتی که من متنت بوده است اینست که باید مجلس متصل بهم باشد مصطب ما اینست که من هم اطراف این واقعات را بنظر آورده که گفته است ۳ ماه قبل از انفصال اعلان انتخاب جدید را بنمایند این ۳ ماه را برای چه معین کرده اند برای این که مجلس بهم وصل باشد پس یک درد بی درمانی که برای ما است اینست که ملت بدون مجلس نباشد و رئیس که گفته است ۳ ماه پیش از انفصال مجلس غرضش همین بوده است خیلی خوب اگر بعد از ۳ ماه اگر یک خاک سری پس مملکت شد مسئول او کیست پس این تریبی که گفته اند قبل از انفصال مجلس باید انتخاب بکنند و باصلاح قضا که میگوند لا تنقض الیقین بالثب مراد شک را شارع میگوند رسمیت یقین برش شده است یعنی آنجاها که شک داری مثل آنجاها که یقین داری عمل نکن و اینجا هم همین جور شده است پس آن ۳ ماه را ما نتوانستیم درک کنیم پس این ۳ ماه را قرار دادیم اما جواب احساسات ملت که دیروز آقای حاج آقا فرمودند که باید تمام ملت احساسات خودشانرا بشنهاد مجلس نماینده اما اغلب ملت بیچاره گرفتار است و اگر این مقام شایسته شوخی بود بجانب حاج آقا عرض میکنم که همان تلگرافاتی است که بعضی از نمایندگان از یزد چند شده بود یکی دیگر آنکه گفتند که یک هیئت دولتی بگذاریم که کار بکنند بنده عرض میکنم که هیئت دولتی که مطمئن باشیم حالبه داریم و همان هیئتی است که شماست اضبطان داریم من عقیده ام این است که برای همان هیئت امروز مجلس خدی لازم است بجهت آنکه

ما بهر دولتی که بیشتر اعتماد داشته باشیم و هر چند وزیر داشته باشیم که آن وزیر حرارتش زیادتر باشد برای مشروطه از برای آن شخصی بیشتر لازم است مجلس چرا بجهت اینکه شما میدانید اگر ما یک مصلحتی را بخواهیم امنیت بدیم بعضی مطالب شبه ندارد این چیزهاست ما نمیتوانیم مخفی کنیم عرض میکنم که احتمال می رود در بهار آتیه خطراتی باز پیش آید و این را برسیب احتمال میگوئیم اگر چه من جمیع - الجهات بوزاری خودمان اطمینان داریم و در این ماه خیلی خطرات بزرگ را رفع کردند ولی این دولت هم یک وسیله میخواهد که آن مجلس است پس چیزی که لازم است برای وزراء مجلس است که مجلس باید باشد که از آنها مساعت کند پس هست که من بگذارم بروم نه من مجلس آنها محتاج باشند که مساعت فکری بآنها بشود باید باشیم که اگر بول بخواهند بول بدیم همان هیئت وزرائی که میفرمایند که باید اداره کنند همان وزراء بول میخواهند همان هیئت وزراء ما را لازم دارند.

افتخار الواعظ - اینجا حقیقت امر باید معلوم شود که کسانی که مخالفت می کنند مخالف باجه هستند بنده قطع دارم وحس میکنم بیکه بچشم می بینم که از برای این مملکت لازم است که مجلس شورای ملی باشد و هیئت وزرائی که خواهند بود بعضی احتیاجاتی دارند که موافق قانون مشروطیت آن احتیاجات را نمیتواند رفع بکنند مگر به بودن مجلس مثلا یک هیئت وزرائی که میخواهد کار بکند البته پول لازم دارد اسلحه میخواهد بعضی احتیاجات دارد بنده مجلس شورای ملی باشد دولت پیشنهاد بکنند که این اقتدر پول لازم داریم و مجلس تصویب بکند از برای اینکه دولت بتواند کاملا کار بکند ولی بنده درین اینکه موافقم برای چه مخالفت میکنم فقط مخالفت بنده در یک کلمه است بنده عرض میکنم که هیئت دولت در این امر یا موافق است یا مخالف یعنی هیئت دولت هم با بودن مجلس شورای ملی را برای پیشرفت امور خودش احساس کرده است یا نکرده است موافق آن چیزی که آقای رئیس - الوزراء در جلسه گذشته با الصراحه اظهار داشتند و فرمودند عقیده من اینست که مجلس شورای ملی باشد تا وقتی که نصف بملاوه یک از نمایندگان جدید انتخاب شوند و کمابیه قائل به تعدید هستند هیچکس توقف بوقتی نمیکند که تا کی باشد بفاصله چهل روز دیگر اگر انتخابات بعمل آمد و نصف بملاوه یک از نمایندگان منت در مرکز حاضر شوند بدیهی است که مجلس جدید منعقد و مفتوح خواهد شد و اگر چنانچه هیئت دولت موافقت چنانچه اظهار کردند بنده لازم میدانم خودشان بولایات اطلاع بدهند آقای رئیس الوزراء بفرمودت تلگراف میکند که مطابق درخواستهایی که از طرف بعضی از طبقات ملت شده بود در باب تعدید مجلس شورای ملی و هیئت دولت هم حس کرده بود برای رفع مشکلات بیکه از برای فراهم آوردن لوازم پیشرفت امور خودش که مجلس امتداد باید این بود که هیئت دولت هم لازم دانست این تقاضا را بکند از برای اینکه فردا بدانند که بودن این مجلس با تقاضای ملت و دولت شده است برای اینکه اگر خدای نخواسته یک انتفاشی افتاد

نگویند که هیئت آن همه انفصال مجلس بود و بدانند که خودشان تقاضا کردند که از برای پیشرفت امور خودشان و خودشان مجلس را لازم میدانند این یک عیب و یک علت دیگر اینست که بنده وجدانا اینچنین عرض میکنم این تلگرافاتی که برای تعدید مجلس رسید است اینها را کافی نمیدانم و قطع دارم که اگر از طرف رئیس و هیئت دولت بولایات و ملت ایران اظهار شود که من قوه مجریه هستم برای پیشرفت امور و فراهم آوردن لوازم خود تقاضا کردم و بعضی از افراد ملت ایران هم تقاضا کرده بودند شما هم تقاضا بکنید از نمایندگان خودتان که تا نمایندگان جدید حاضر نشوند آنها بدانند قبول خواهند کرد و در مقابل این تقاضا ابدی مخالفت نخواهند کرد و برای مصالح امور خودشان تقاضا خواهند کرد آنوقت تمام داخله و خارج خواهد فهمید که من خودم اینجا نه نشسته ام بلکه به تقاضای ملت ایران و بلکه به تقاضای دولت ایران برای پیش رفت امور مملکت تقاضای آنها نشسته ام نه اینکه بمیل خودم اینجا نشسته ام که اگر فردا خواستند دشمنان آزادی در قلوب بعضی از کسانی که مطلع بر کیفیت امور نیستند افتاء یک شبه بکنند همه بدانند که نمایندگان بر حسب عقیده و تصویب خودشان اینجا نه نشسته اند بلکه دولت و ملت ایران از آنها تقاضا کرده اند و بنده این مقدار تلگرافات را کافی نمیدانم

آقای شیخ ابراهیم - بنده چندان قادر بر نطق نیستم و مختصرا عرض میکنم و مختصر مضارب عرض میکنم این مذاکرانی که مامنتخب بودیم برای دوسال بدیهی است والا این تلگرافات لازم نبود و اینکه این انتخابات جدید است اینهم بدیهی است امریکه در دول دیگر بودن میخواستیم بیستم که هر کاه در خارج مجلس بوده مدتی تمام شده است بعد لازم شده است که آن مجلس را تعدید بکنند و یک مدت امتداد پیدا بکنند باینکه در عالم یک همچو چیزی بوده است که مدت مجلس تمام شده باشد و انتخاب جدید هم نشود و همان مجلس را به ترتیبی تعدید بکنند باینکه با امر محالی است معلوم است آن تعدید انطور نخواهد بود که ورقه و رأی مخفی بدهند بدیهی است که این ترتیب نخواهد بود مثلا ما حالا که ضرورت دارد وحس کرده ایم که این مجلس باید تعدید پیدا بکند تا انتخابات جدید بعمل بیاید این آیا ممکن است که با ورقه و رأی مخفی باشد نه آری این تلگرافات و این اظهاراتی که شده است کافی است بانه بنده عرض میکنم ببقیده خودم کافی است بجهت اینکه اکثر آن نقاطیکه ملت بوده اند و میتوانند اظهار عقیده خودشان را بکنند کرده اند بعضی نمیتوانند شاید بعضی ها هم که میتوانند ملتقت نه بوده اند و الا اظهار میکردند و عده کسانی که تأسیس مشروطیت را کرده اند این تلگرافات و اظهارات از آنها شده است دیگر که اسامی آنها ذکر شد مگر بعضی نقاط که آنها درست ما نیست آنها نمیتوانند اظهار بکنند والا اظهار میکردند حالا مناسه بکنید آنها را که اظهار کرده اند با آنها را که اظهار نکرده اند بپیشنهاد اکثریت دارند یا خبر اگر دارند که بسیار خوب دیگر اقتدر موانع و اقتدر دقایقی را پیش آوردن دیگر نمیدانم چه جهت دارد بملت اینکه ما کاری نخواهیم کرد همان مجلس است که تعدید خواهد شد برای ضرورت مملکت و باید سعی

کنیم در انتخابات نمایندگان اگر ملت بگویند که شما چرا اینجا هستید میگوئیم شما نمایندگان خودتان را زودتر بفرستید ما بر خیزیم تسریع بکنید در انتخاب و کلا آنها که آمدند ما خواهیم رفت و برای دولت هم ضرورت دارد و ضرورتش برای او بیشتر خواهد بود فردا اعتباری میخواهد فردا قرض میخواهد فردا کار دیگر است ببقیده بنده همین تلگرافاتی که شده است کافی است و ضرورت هم هست دیگر ما زیاد بر این نمیخواهیم آیا این ضرورت دارد بانه بعد از آنکه ضرورت دارد انذار آنرا راهم که بدست آمده دیگر مذاکرات لازم ندارم.

رئیس - بنده دیگر مخالفی نمی بینم.

مفتی السلطنه - بنده مخالف.

رئیس میانه اشخاصی که مخالفند و اسامیشان را ثبت کرده اند دو نفر باقی مانده است آقای مفتی السلطنه.

مفتی السلطنه - آقایان التفت بفرمائید که مقصود از مباحثات اینجا حقیقت این نیست که ایراداتی بکنند و بعضی جواب بدهند یا بعضی دلائل بیاورند که در انظار خیلی حسن باشد و در خارج آن فائده که باید در آن ترتیب باشد نباشد بدیهی است که میخواهیم عرض بکنم ما نباید از معنی لغوی پارلمان استفاده بکنیم یعنی حرف بزنیم بلکه باید به بینیم در خارج همان اثر را خواهد داشت که در این محوطه دارد و بینیم در تمام ایران همین اثر را دارد یا خیر اگر دیدیم که ممکن است برخلاف آن اسری بکند آنوقت در مقام بر آئیم و بعضی راهها بدست بیاوریم که آن اثر ها بمیل با اثرات خوب بشود (یعنی اگر آن آثار سوء باشد) در اینجا باید دانست که صحبت در این است مقتضی هست که پارلمان حالیه مداومت پیدا بکند یا اینکه مقتضی نیست و اگر مقتضی هست آیا مجوز قانونی داریم یا مجوز قانونی نداریم مذاکرانی که دیروز و پریروز شد و مخصوصا آقای حاج شیخ الرئیس این جا بیان کردند پس از اینکه معلوم شد و دانستیم که مقتضی هست و مجوز شد که مقتضی است باید دید چه طور مجوزی بساید باشد که بتواند اسنان از روی آن رأی بدهد که مجلس معتد باشد عقیده شخص بنده چنانچه در روز اولی که این مذاکره میشد عرض کردم این است که مقتضی نیست و بهتر این است که رضایت بانحلال این مجلس بدیم و یک موقمی بدست موکلین خودمان و عموم اهالی بدیم که وکلای جدید خودمان را انتخاب بکنند که اگر مداومت بدیم و مجلس را منحل نکنیم در اغلب از نقاط ممکن است که انتخاباتشان دیرتر بشود بجهت توقف ما در این مجلس و لزوم این انتخابات نشدن را که البته یک اثر سوئی در مملکت خواهد بخشید از اثر وجود ما در این جا بدانند و ممکن است توقف ما در اینجا با الال اسبابی فراهم بیاورد اسباب اشتراک مردم از مجلس بشود ولی مع تأسف هیچ این نکات را در نظر نداریم صحبت از تلگرافات میشود این تلگرافات را آنچه بنده از خارج شنیده ام و وجدان من گواهی میدهد اینست که باید بگویم تلگرافی از انجمن ایالتی آذربایجان بنقاط مختلفه ایران شده است که شما از مقام نیابت سلطنت و هیئت وزراء و مجلس مقدس تعدید مجلس

مطلب را نباید مغلو ط کرد و اینکه آقای زنجانی فرمودند در سایر ممالک چه بوده است در سایر ممالک این مطلب بوده و سابقه تاریخی این خیلی است چنانچه اشاره در جلسه اولی در یک که مملکت بوده است مخصوصا در انگلستان که یکوقت پارلمان خودشان را ۱۳ سال مداومت دادند ولی باید دانست که آن پارلمان یک کاری کرده بود که یک قانونی گذرانده تصویب میکنند بتوانند منحل شود یعنی مادامیکه اکثریت همان پارلمان تصدیق نکرد که آن مجلس منحل نشود معلوم است یک همچو پارلمانی نمیتواند منحل بشود مگر بآن ترتیبی که آقای حاج آقا فرمودند و امیدوارم در این مملکت آن ترتیبی ندهد و برای تأیید این عرض خودم عرض میکنم که صدراعظم همان مملکت در اوایل گذشته اظهار کرد این عبارت را که هیچ پارلمانی حالا نمیتواند این وقاحت را مرتب شود که مدت عمر خودش را طولانی بکند اگر ما حالا این حرکت را بکنیم و طول مدت خودمان را رای بدیم گمان میکنم همان حرکت قبیح را کرده باشیم همان مشهرا مر نکب شده باشیم که غلای عالم این را نکب کرده باشند و نه بسیدند اما مقتضای وقت ممکن است لزوم پیدا بکند چنانچه بعضی از آقایان محرم فرمودند که اقتضا میکند که باشد در آن صورت چنانچه در جلسه اولی عرض کردم باید تمام لوازم قانونی او را فراهم بیاورند و آن این شکل است که هیئت دولت و رئیس قوه مجریه اگر صلاح میدانند تلگرافات تمام نقاط ایران بکنند و گمان میکنم که همینکه دلائل ذبیق موقع را بموم اهالی حالی کردند هیچ کس ایاه نکند از تصویب اینکه در اینجا چندی باشیم این هم هنوز دیر نشده است فردا و پس فردا هم مدت ما باقی است در روز تعطیل داریم و در این مدت از اغنای از نقاط جواب آمده است و ما را شاید مجبور باین امتداد و توقف در اینجا بکنند و بعد هم باز باید تمام مراسم قانونی بعمل بیایند یعنی این مجلس حالیه باید منحل شود و مجلس دیگری تشکیل و منعقد شود تا مدتی که نصف بملاوه یک نمایندگان جدید بیایند و اگر بخواهند غیر از این بکنند گمان نمیکند که هیچ مجوز قانونی داشته باشد و گمان نمیکند هیچ برای آن مقصود بزرگ که فقط این اساس است کار کرده باشیم.

ذکاء الملک - عرض میکنم در اظهار بیکه آقای مفتی السلطنه فرمودند مخالفت این امر با قانون اساسی در دلیل بنده توجه فرمودند و این اعتراضی که بر بنده کردند درست ملتفت نشدم بنده عرض کردم که این مسئله که اینجا مطرح شد در موضوع دوره تقنینیه مجالس آتیه بوده و هیچ عرض نکردم راجع بخودمان بود و مذاکره هم شد که مخالف با قانون اساسی است یا نیست عرض کردم که عقیده خودم این است که ممکن است مخالفت با قانون اساسی هم نداشته باشد بجهت اینکه آن اصل که مدت دوره تقنینیه را تعیین کرده است منسوخ شده است و میتوانم او را جزء قوانین عادی به بشماریم بنده این را دلیل نیاوردم که این کار را بکنیم یا نکنیم بنده گفتم که

را بخواهید و در جواب آن تلگراف از بعضی از نقاط جواب مساعد آمده است و از بعضی نقاط جواب نیامده است و چنانچه در روز اول عرض کردم از آن نقاطی که جواب مساعد آمده است فقط نقاط شمالی ایران است همینکه گفته میشود فقط از فارس یا از شیراز که سری ایالت فارس نیامده است این با حقیقت امر مخالف است بجهت اینکه اسامی جاها بیکه تلگراف نیامده است و نمیتوانستند تلگراف بکنند لهذا نیامده است بنده یاد داشت کرده ام و عرض میکنم ملاحظه خواهید فرمود که از فارس از بنادر عربستان از کرمان از اصفهان از کرمانشاه از همدان از زنجان از عراق از قزاقان از ملل متنوعه از یزد و از آذربایجان غیر از تبریز و از خراسان غیر از دونه طه مثل نیشابور و قزوین و غیره نیامده و آنچه اینک می گویند عجالتا در دست مانیست یعنی اشرار در آن جا هستند آنها قدرتش طبعه است که خواهند گفت که نتوانستند تلگراف بکنند یعنی کردستان مازندران ملایر تویسرکان بروجرد و غیره بملاوه آن تلگرافاتی که آمده است از یکی دوجا با مضای انجمن است بعضی جاها با مضای عموم اهالی است بنده می خواهم بدانم مقصود از عموم اهالی چیست میخواهم بدانم عموم اهالی مقصود آن قسمتی از اهالی نیستند که در انتخاب نمیتوانند رأی داشته باشند یا آبهانی هستند که تلگرافاتی را که چند نفر مینویسند مهر می کنند بدون اینکه حتی مفاد آنرا بدانند در موقع گذراندن نظامنامه انتخابات و فیکه صحبت میکردیم اغلب آقایان در نظر دارند حتی انتخاب یک نفر وکیل را بصدهزار نفر میدادیم و اصرار داشتیم که عده نفوس هر مجلسی را هم زیاد از آنچه هست قرار بدیم این تلگرافاتی که آمده است عرض میکنم باید با مضای صدهزار نفر یا پنجاه هزار نفر یا ده هزار نفر یا پنج هزار نفر باشد ولی می بینم اهالی نیشابور میگویند که سیصد نفر امضاء کرده است آیا بشما سیصد نفر حق یک نفر نماینده دارند و معنی آن تلگرافاتی هم که از سایر جاها آمده است اینست که هر وقت شما تلگرافی بنویسید و بدست آنها بدهید ممکن است آن تلگراف را امضاء کنند بدون اینکه امضاء کنند اهمیت آن را ملتفت باشد آقای مخبر در این جا فرمودند که در آن وقتی که در مواد نظامنامه انتخابات صحبت از امتداد مجلس میشد گفته شد که ممکن است سه سال بشود و در آن پیشنهاد رأی گرفته و رد شد و اینکه داخل در این موضوع شدیم برای این است که دو سال ممکن است تغییر بیاید این را بنده قبول ندارم برای اینکه آقای مخبر باید در نظر داشته باشند که نظامنامه انتخابات را برای دوره خودمان نمیشدیم این را برای دوره انتخابات دوره آتیه نه نوشتیم ولی اینصورت دو سال را بر حسب قانون اساسی و بر حسب (زیر اندم) و رجوع بآراء ملت معین کرده اند که ما نمیتوانیم حالا تغییر بدیم والا اگر در موضوع انتخابات خودمان یعنی دوره خودمان میخواستیم رأی بدیم همه میگفتند خارج از موضوع است و از حد خودمان تجاوز کرده ایم که برای خودمان رأی داده ایم زیرا که حد ما را یعنی حد این دوره تقنینیه حالیه را نظامنامه انتخابات سابق معین کرده است و نظامنامه که ما نوشتیم برای دوره تقنینیه آتیه است این که

اگر این کار را بخواهیم بکنیم مخالفی با قانون اساسی ندارد و اما در باب تقاضیکه شماره کردید که از آنها تلگراف نیامده است که دو مسئله را عرض می کنم یکی اینکه آنها را که شماره کردید که نمیتوانستند تلگراف بکنند و نکرده اند چندان تقاضا هم آنها را بنده کرده که نمیتوانستند با تلگراف کنند و آن نقاطی را که کردند تلگراف نیامده از بعضی نقاط آنها تلگراف باینجا آمده است ممکن است که آقای رئیس مجلس اجازه بفرمایند که خوانده شود و اما یک قسمت از فرمایشاتشان این بود که خودشان تصدیق فرمودند که این موقع برای امتداد این مجلس خیلی اهمیت دارد و تصور میکردند که اگر رأی در امتداد مجلس داده شود رأی ابدی خواهد بود و بنده چنین تصور نمیکند بجهت اینکه اولاً ماندت عمر خودمان را زیاد نمیکند اینقدر این اهمیت ندارد از دولت تقاضا می کنیم که فوراً اعلان انتخابات بدهد بلکه خیلی میل داشتیم که پیش از این اعلان داد شود که مردم انتخابات خوششان را بکنند و حالیه هم حال مردم یکی از دو حال خارج نیست یا اینکه خیلی شوق دارند که نمایندگان جدید بیایند جای ما بنشینند پس خیلی زودتر اتمام خواهند کرد و نمایندگانشان را زودتر میفرستند یا اینکه شوق باینکار ندارند پس این مسئله را قابل توجه میدانم یک کاری نکنیم که ملت بی نماینده باشد چون احتمال میدهم که یک مدت متعادی ملت بی نماینده بماند و مجلس شورای ملی تعطیل باشد و تا یک اندازه میتوان گفت چنانچه بعضی از نمایندگان بنده را متذکر و قانع کردند اساس مشروطیت نباید کلا با جزعا تعطیل شود صحیح است این مسئله که گاه واقعا مملکت یک مدتی هیچ نماینده نداشته باشد و مجلس نباشد یک تعطیلی در قسمت اساس مشروطیت شده است و یک مضراتی خواهد داشت ما میگوئیم این ترتیب شود و اینرا هم اگر ضرورت نداشت که شاید یک مضراتی از این انفصال مجلس عاید این مملکت بشود اینکار را نمیکردیم و غمی از روی بی میلی است بر بنده خیلی گران است که این رأی را بدیم چنانچه بر هر کسی از نمایندگان گمان این را بخواهد داد خیلی گران است هیچ میل نداریم هیچ نمی خواهم و اشتیاق نداریم که کار باین خایرسد که ما این رأی را بدیم فقط نظر باینست که تقدیم بداریم مصالح مملکت را بر عزت نفس خودمان که این رأی را بدیم و فرض نمیکند که حرکت را کیکی هم کرده باشیم.

رئیس - چون ما حصل این فقره و تکلیف این امروز باید معین شود و رأی بگیریم و مذاکرات طولانی لازم است گمان میکنم چند دقیقه نفس داده شود بهتر است (در این موقع اجازه نفس داده شد) مجدداً پس از بیست و پنج دقیقه جلسه تشکیل شد

حاج سید ابراهیم - بنده اولاً تصدیق نمیکند اظهارات آقایان را که مملکت بحال خطرناکی وضع اقتضائش آنرا تصدیق نمیکند بجمه الله آنکاییه ما که آن حملات با آتوت را از میان برداشت این بقایای آثارش را هم از بین خواهد برداشت و نباید حق داد بآنها که میگویند مملکت در حال خطرناکی است و این مطلب را لازم است اینجا عرض کنیم آقایان بیکه میفرمایند مملکت

ایران راضی نیستند مجلس منفصل شود و باید باقی باشد این بدیهی است ملت ایران که با آن ترحام مشروطه را تأسیس کرد مجلس را خیلی عزیز می داند و میل ندارد بکساعت مملکت بی مجلس باشد ولو وکلای جدید هم خواهند آمد باز میل ندارند که یک روز بی مجلس باشند و میل دارند که متصل باشد جلسات این نمایندگان بجلسات نمایندگان دیگر و از جهت دیگر که مجلس باشم مدد فکری خواهد داد بدولت و بهتر یسرت امور از برای وزرائی میشود ولی بنده عرض میکنم که بهتر این است که برتیب قانونی پیش بیاثیم یعنی رای دادن خودمان را در اینکه مجلس باقی باشد یا نباشد بنده این را صحیح نمیدانم عقیده بنده اینست که اگر اکثریت ملت رأی بر این باشد که این مجلس باقی باشد و امتداد باید دیگر لازم نیست که ما رای بدهیم ولو اگر رای بدهیم و اکثریت آراء ما هم بر خلاف امتداد باشد نباید رای را قابل اعتنا قرار داد بجهت اینکه در مملکت مشروطه حاکم اکثریت ملت است حالا اگر این تلگرافاتی که آمده است حاکی از اکثریت است است دیگر رای جدیدی لازم نیست و همان تلگرافات کافی است برای بقی مجلس ولی بعقیده بنده این تلگرافات کافی نیست و اکثریت ملت نیست و اینکه از بعضی جاها تلگراف نشده بواسطه آنکه مطبع نبوده اند که تلگرافات نکرده اند یا اینکه بواسطه دوری آنها از مرکز بوده که اگر آنها خبر میدادند آنها هم همین درخواست را میکردند یا از خطرات آتوری که ما مطلع هستیم مطلع نبوده اند اگر آنها هم مطلع بودند و آگاهی داشتند همین تقاضا را میکردند و اگر بآنها هم تلگراف شود بمشور جواب میدهند حالا اگر مجلس این تلگرافات را کافی میدانند دیگر محتاج برای نیست و مجلس باقی خواهد بود و اگر کافی می دانند باینجه راجعه بولایات بکنند جوابهایی که از ولایات آمد آن حاکی از رای اکثریت ملت است دیگر محتاج برای نیستیم و همین مضمون هم پیشنهادی کرده ابو اینکار هم هیچ طول نمیکشد بجهت اینکه تا روز چهار شنبه ایام رسمی ایندوره است و روز پنجشنبه و جمعه هم ایام تعطیل است اگر جزء ایام رسمی هم بود تعطیل بود و وکلاء هم جایی نرفته اند وقتی که این تلگرافات آمد بدون اینکه رای جدیدی داده شود بلکه همان تلگرافات کافیست برای بقی مجلس و اما این مایه که عرض کردم نه اینست که ما ملت مجلس را زیاد میکنیم بجهت اینکه اگر ملت مجلس را زیاد کنیم آنرا قانونی نمیکویند بجهت اینکه قانون اساسی میگوید مدت مجلس دو سال است اگر چه این ماده پنجاهم راجع بچیز دیگری است ولی مدت میگوید مدت مجلس دو سال است ما هم نگفته ایم که مدت مجلس زیاد شود ولی اکثریت مجلس حکم کرده است که مجلس باقی باشد برای اینکه امورات پیشرفت بکنند تا اینکه وکلای جدید حاضر شوند لهذا استدعا میکنم که پیشنهاد بنده را بخوانید .

ناصر الاسلام - حاصل عقاید نمایندگان که در این دو جلسه اظهار شد و اینچنان نوشته شده است نیست مغالتم اظهار بکنم که عقاید نمایندگان باتفاق بر بقی مجلس

است و حرفی که هست در طریق امتدادی است که آیا به چه طریق باید داخل این مطلب شوم که مجلس امتداد پیدا بکند و محظوری هم برای ما نباشد اگر این مسئله حل نمیشد دیگر در این موضوع اینکه مذاکرات نمیشد و آن نتیجه مطلوبه معلوم میشود و اینکه کمیسیون این پیشنهاد را کرده است بعقیده بنده در ماده اول که نوشته است و مذاکره میشود بهترین دلیل است برای این مطلب هر قدر در این مذاکره کنیم و تأمل کنیم باوجود این فکر و تأملی که شده است بهتر از این دیگر نمیتوانیم بکنیم و طرفین بهتر از این نخواهیم اتخاذ کرد زیرا این تقریرات که میشود در امتداد مجلس و تقاضاهاییکه از طرف ملت شده است معلوم میشود که انجمنهای ایالتی و ولایتی و طبقات مردم حس کرده اند که اگر مجلس امتداد نیاید چرخهای قوه اجراییه از کار خواهد ماند بنده می بینم که آقایان مقایسه میکنند حال این مملکت را با سایر ممالک امروز که از قوانین وضع نشده است و هنوز هیچچیز از مراتبی را که ما میگرفتیم برای ممالک مشروطه حاصل نشده است ما این هژت مقننه و هیئت دیگری که سمت نمایندگی خواهند آمد اگر فاصله شود یک سال بعدی پیدا خواهند کرد در جلسه گذشته گفته شد که در سایر ممالک این تفصل مجلس و امتداد مجلس تانی تعطیل میشود و هیچ انقلابی هم واقع نمیشود بنده می بینم آقایان مقایسه میکنند حال مشروطه ما را که چندین سال بطور مشروطیت اداره شده و تمام قوانین لازمه آنها وضع شده و در کتاب های مدرن در پیش میز رئیس گذاشته شده حاضر است این هیچ اشکالی ندارد در مقام اجراء هر اشکالی که پیش میاید رجوع میکنم بآن قانون که در جواب گذشته و اول آن مشکل میکند و آنچیزی که دشوار است برای آن ها در آن قانون حل نمیکند لکن هنوز هیچ يك از ادارات قانون ندارد باینجهت بهیچوجه نمیتوانم مقایسه کنیم حال خالیه خودمان را با سایر ممالک و ما به تجربه دیده ایم که در يك مسئله لازم مراجعه بپوده در بعضی مقطوعات در بعضی جزئیات هیئت دولت محتاج میشود به پیشنهاد مجلس و هر روز پیشنهاد میکنند و اگر آن پیشنهاد ها قبول نشود یا رد و تصویب معلوم نشده اسباب اشکالات میشود مثلا بودجه درباری اگر مجلس نمی آمد میرفتند صاحبان آن حقوق پیش وزراء و يك مدت زیادی ملت و دولت وقتش تلف میشد و دولت را از کار باز میداشته در صورتیکه دولت هم اقدامی نمیتوانست نماید و تکلیف خود را نمیدانست و بلکه سایر مطالب اساسی که همه ما میدانیم امروز دولت احتیاج دارد بمجلس در ماده اول اظهار موافقت خود را عرض کردم ولی در ماده دوم بشودیکه کمیسیون نوشته است بنده باین نحو موافق نیستم و در موقع که آن مطرح میشود عرض خواهم کرد يك تلگرافی هم راجع بامتداد مجلس از انجمن ایالتی گیلان رسیده است اگر آقای رئیس تصویب میفرمایند مقرر فرمایند فرائت شود .

لواء الدوله

آن مطالبی که در اینچنان نوشته شده است نیست مغالتم باچند اصل از قانون اساسی است که آنها نسخ شده بعد بموجب بعضی رفتار نشده منجمه چهار اصل بوده است که آقای حاج امام جمعه فرمودند شخصی

که می آید جواب میدهند اینجا جواب های قانونی بدهند بنده کمال تشکر را میکنم از اظهاراتشان و دوست میدارم که آقایان جواب بدهند جوابهای منطقی بدهند که قانون اساسی آنها را تصدیق میکند از اصولیکه در اینجا نسخ شده است اصل چهارم است و پنجم است و ششم است و چهل و نهم کی اینها را فسخ کرد انجمن ها تقریباً اختیار دارند بانجمن ایالتی آذربایجان میخواهم بدانم که عده انجمن های ایالات تلگراف کردند بانجمن ایالتی آذربایجان بآنها که بانجمن ها همراهی کردند مسلماً از دو هزار نفر بیشتر نیستند انجمن ایالتی آذربایجان این چهار اصل را فسخ کرده و چهار اصل دیگر وضع کرد یکی از آن اصول فسخ شده اصل چهارم است که متوسل عده نمایندگان الی یکصد و شصت و دوفتر است بجای آن انجمن ایالتی آذربایجان نوشت که یکصد و بیست نفر است در مجلس هم تصویب شد آنوقت دو مرتبه در مجلس قرار دادیم که عده نمایندگان يك صد و سی و شش نفر باشد آیا آن اصل قانون اساسی فسخ شد یا نه ؟ میخواهم بیرسم که آیا اکثریت ملت رای داده است که آن اصل نسخ شود یا نه .

رئیس - اظهارات شما از موضوع بحث خارج است بنده میخواهم به بینم اگر بعضی بگویند که اگر آن اصل فسخ شده است و بجای آن اصل فسخ شده اصل دیگر گذاشته شده است چرا برخلاف آن اصل دومی که بجای منسوخ است باز عمل کرده اید در اصل پنجم میگوید که مدت مجلس دو سال است و ابتدای آن زمانی است که نمایندگان ایران در مجلس حاضر شوند اگر آن اصل نسخ شده است که هنوز ماچهل نفر کسر داریم و هیچ اول دوره هم نشده است پس آن را فسخ کردند صحیح هم بوده است بجهت اینکه ملت کرده است لکن عرض کردم بنده مغالط دارم لکن عرض میکنم اگر ملت کرده است که حالا هم ملت میگوید که مجلس باقی باشد چون ابتدای دوره را برای اکثریت ملت تغییر دادند دیگر نمیتوانند که اکثریت مجلس از روزی است که تمام نمایندگان حاضر شوند گفتند از روزی است که مجلس افتتاح میشود این تغییر را هم بملک و رضایت انجمن های ایالتی و ولایتی کردند حالا هم آنها میگویند مجلس باقی باشد از اینطرف هم می بینم که بعضی از آقایان میگویند که اکثریت ملت این تقاضا را نکرده است بنده مخالفم شخصاً تا امتداد مجلس لکن عرض میکنم حساب کنیم به بینم از چند نقطه تقاضای بقی مجلس شده است از خراسان خواسته اند تقریباً ۱۲ نفر نماینده بآنها حق داده شده از سمنان تلگراف شده است بکنفر نماینده دارند این ۱۳ نفر گیلان شش نفر این نوزده نفر قزوین دو نفر این بیست و یک نفر بختیارها هم قهرآ رای داده اند بجهت اینکه نماینده آنها با اختیار وزیر داخله است و آقای صمصام - السلطنه رئیس الوزراء حضوراً در مجلس اظهار کردند و خود مجلس لازم است از آذربایجان و ایلات و مسیحین آنجا هم که تلگراف شده ۲۲ نفر نماینده دارند این چهل و سه نفر تا يك نفر نماینده بختیارها این ۴۴ نفر از جاهائی که نمیتوانستند تلگراف کنند و نمی توانستند کرامتشاه است چهار نفر ملایر دوفتر این شش نفر بروجرد و لرستان چهار نفر ده نفر هراق دوفتر دوازده نفر

مازندران است ۵ نفر این ۱۷ نفر اکثر آباد بکنفر ۱۸ نفر این نقاطی است که بواسطه اینکه در فشار هستند نتوانستند تلگراف بکنند فراموش کردم از نقاطی که درخواست بقی مجلس را کرده اند طهران است پانزده نفر و چهل و چهار نفر هم آنجا حساب کردیم این ۵۹ نفر اگر از یکی دو نقطه دیگر هم استفسار فرمائید که مطلع نبوده اند آنها هم قطعاً تلگراف خواهند کرد و اکثریت یکصد و سی و شش نفر میشود شصت و نه نفر و این اکثریت حاصل خواهد شد پس باید باین دلیل رد بکنیم که از طرف اکثریت ملت تلگراف شده است و رای داده اند پس اگر شما با اکثریت ملت که به تلگراف انجمن ها و اختیار دادن آنها بانجمن ایالتی آذربایجان باشد امضاء کرده اید نسخ چهار اصل را از قانون اساسی و آنها هم منوط برای شما کرده اند اگر این عمل را امضاء کرده اند بنده میگویم که از طرف اکثریت ملت امتداد خواسته شده است ولی اینکه بنده مخالف با امتداد مجلس دارم اشکال من اینجاست که اگر ما آن چهار اصل را فسخ کرده ایم یکی از آن اصول نسخ شده این بود که عده نمایندگان تا یکصد و شصت و دوفتر می توانند باشند و بجای آن نوشته شده بود که عده نمایندگان یکصد و بیست و دوفتر است و ما هم که آنها امضاء کردیم بطور شد دو مرتبه که قانون انتخابات را می نوشتم عده را یکصد و سی و شش نفر کردیم این اشکال بنده است .

مهرزاد الملک - مطبیرا که در تحت مذاکره است ممکنست بعقیده بنده بدو قسمت کرد با اینکه ما قطع نظر از اینکه تمدید مجلس مخالف است با قانون اساسی یا موافق بینیم تمدید مجلس صلاح است یا غیر و ممکنست در اینباب يك نظری باشد بعقیده بنده گمان میکنم نماینده افکار تمام نمایندگان باشم اگر بگویم مقضی است بجهت اینکه اگر رجوع بکنند يك قانون خیلی نزدیکی خواهند دید که تمام این ابر های سیاه ارتجاع که بصر ف حمله ور شده بود فقط موافقت نمایندگان و هیئت وزراء بود که آنها را تا يك درجه بر طرف کرد پس از این مد نظر یعنی از صلاحیت بعضی مجلس تصور میکنم مخالف خیلی کم باشد آن وقت باید رجوع کرد باینکه این امتداد راه قانونی دارد یا ندارد بفرش که ما صلاح بدانیم تمدید مجلس را در اینکه قانوناً مدت مجلس دو سال است جای هیچ شک و شبه نیست ولی بموجب قانون اساسی در وقت نوشتن قانون انتخابات چیزی که عرض کردم این بود که اصلیکه از بین رفته و نسخ شده است نمیتوان گفت بعضی از اصل باقی است اصل که رفته است تمام آن از بین رفته است و اصل پنجم بتمامه از بین رفته است و این منطقی نیست که بگوئیم اصلی از بین رفته و تمام آن نرفته بعضی از آن رفته است و از طرف دیگر اگر بعضی از آقایان تکیه میکنند باصل پنجاهم قانون اساسی آنرا هم نمیتوانم عرض کنم که اصل پنجاهم هیچ مربوط باینجا نیست بجهت اینکه اگر بخوایم از اصل قانون اساسی مشتبه مدت را بزنیم بهیچوجه خللی باصل پنجاهم وارد نمآید و اصل پنجاهم از بین نمیرود مقصود از اصل پنجاهم اینست که اختیار انفصال

مجلس را معین کنند که بمناسبت اسمی از دو سال بوده است اما علی حال بنده عرض میکنم و تکرار میکنم که مطابق قانون انتخابات هر مجلس دو سال است و متوسل شدن بقوانین بعقیده بنده خیلی خارج از موضوع خواهد بود در خصوص این امتداد بجهت اینکه پیش از اینکه این تلگرافات برسد بنده خیلی متزلزل بودم بجهت اینکه صلاح مملکت را در این میدیدم که تا موقعی که نصف بعلاوه يك از نمایندگان جدید نرسند بامجلس امتداد باید مجلس امتداد بیاید از طرف دیگر برای فصول بیان راه قانونی نداشتم اینست که بعقیده بنده ملت ایران طبعی ترین و بهترین راه را برای اینکار اتخاذ کردند و آن راه چه چیز است رجوع بخود ملت است و نمی توانیم بگوئیم که از این نقطه که تلگراف نرسیده است فقط بواسطه اشاره انجمن آذربایجان بوده است میتوانیم بگوئیم حتی خود ملت ایران موافق بوده است که مجلس شورای ملی امتداد پیدا کند و هیچ نظر دوات بهیچ وجه من الوجوه نمیتواند در امتداد مجلس شرط باشد فقط نظر کسیکه شرط است نظر کسی است که ما بنام او اینجا نشسته ایم و او ملت ایران است فقط چیزی که ممکنست در اینجا مطرح و مذاکره شود رای مجلس آنجا مداخله خواهد داشت اینست که بینیم این تلگرافاتی که رسیده است کافی هست از اکثریت ملت یا کافی نیست و بعقیده بنده کافی است و در این مورد سابقه هم داریم یعنی دو سال قبل وقتی که میخواستند قانون اساسی را تغییر بدهند چه کردند آن بهترین وسائل را در آن جا کردند و ساده ترین و طبعی ترین راه را برای این کار اتخاذ کردند یعنی رجوع کردند بخود ملت و بولایات تلگراف کردند و از ولایت بانجمن ایالتی رای داده اند برای تغییر قانون اساسی اگر از حیث عده کمتر از جاهای دیگر که رای ندادند نبودند زیادتیر یقیناً نبودند پس همان نقاطی که در آن موقع رای آنها قابل این شد که مدخلیت در قانون داشته باشد یعنی در تغییر قانون اساسی حالا هم کافی است برای رای در امتداد مجلس و این هیچ اشتباه نشود که هیچ نمیخواهم مدت مجلس را زیاد بکنیم و هیچ نمیخواهم جلوگیری کنیم از انتخابات نمایندگان آتی چنانچه گفته ایم مدت انتخاب هم در سال است و ما همه ساعت ۸ دقیقه تا یکصد میکنیم که ملت نمایندگان خودش را زودتر انتخاب کند پس ما چه میگوئیم میگوئیم آن مدتی که این عبارت خالی خواهد ماند و ملت ایران نماینده نخواهد داشت بحکم همان ملت ایران ما اینجا می نشینیم و برای آنها کار میکنیم و چیز تازه نمیگوئیم پس حالا اگر هم بفرش که قانون اساسی هم اجازه ندهد آن بهترین و آسانترین راههایی که میتوان برای اینکار اتخاذ کرد خود ملت ایران اتخاذ کرده است که رجوع به ملت باشد پس حالا میخواهم تردید بکنم حرف یکی از نمایندگان را که گفت اهالی ایالات و ولایات ایران درست قوانین مشروطیت را ندانستند بنده میگویم خوب دانسته اند و بهترین طریق را پیموده اند و طبعی ترین راهها را برای این کار اتخاذ کرده اند حالا باین طریق اگر بفرش هم عقیده باشند که تصور کنند این تلگرافاتی که رسیده است کافی نیست

اگرچه این مسئله در ماده دوم این راپورت حل شده است گفته شده که رجوع خواهد شد به ولایات و تلگرافات خواهند شد بولایات و من یقیناً قاطع دارم که همان ولایاتیکه تلگراف نکرده اند با مسبق نبوده اند و یا نتوانسته اند بجهت اینکه ولایات و کلیه افراد مشروطه خواه ایران عقیده شان بر این است که مجلس امتداد بیاید و اگر مجلس نباشد عقیده شان بر این خواهد بود که مضرانی متوجه مملکت خواهند شد .

رئیس - مذاکرات کافی است یا کافی نیست ؟ (اغلب اظهار کردند کافی است) .

رئیس - تقاضائی از بعضی از نمایندگان شده است که با ورقه رای گرفته میشود (بباعت ذیل خوانده شد) : ما امضاء کنندگان ذیل تقاضا میکنیم که در خصوص تمدید مجلس شورای ملی رای باورده گرفته شود .

رئیس - دو فقره اصلاح پیشنهاد شده است در ماده اول یکی از طرف آقای ارباب کیخسرو و یکی از طرف آقای حاج سید ابراهیم خوانده می شود : (پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو بضمون ذیل فرائت شد) .

بنده پیشنهاد میکنم اولاً در ماده اول بعد از کلمه «ملی» نوشته شود (از تاریخ ۲۴ عقرب تنگروز ذیل الی مدت ۳ ماه مجلس شورای ملی کماکان امتداد می یابد) .

ارباب کیخسرو - بنده باینلحظه پیشنهاد سه ما را کردم که موافقت میکنند با قانون انتخابات که تازه گذشته چون در آنجا نوشته شده است که سه ماه بانقضای مجلس مانده مهلت داده شود بملت برای انتخابات بنده در اینجا می بینم باین ترتیبیکه نوشته شده است همینطور صحت شد لشخصیکه در جاهای دور هستند و بکندری مسامحه دارند اگر مطمئن باشند باینکه وکلاء نشسته اند شاید اقدام بکنند بانتخابات از این جهت وقتی که اعلان داده شد که تا سه ماه شما رجوع دارید نمایندگان خودتان را بفرستید بهر کر شاید نمایندگان خود را انتخاب کنند و بفرستند این ترتیب موافقت هم خواهد کرد با نظامنامه انتخاباتیکه گذشته است از اینجهت بنده سه ماه پیشنهاد کردم .

ذکاء الملک - راست است در نظامنامه انتخابات نوشته شده است که سه ماه قبل از دوره تقنینیه دولت اعلان انتخابات جدید را بکنند ولیکن ما اگر اینجا مراعات این ترتیب را نکنیم مقصودمان کاملاً بعمل نمی آید بجهت اینست که مقصود ما اینست که ما مدتی که مجلس آئینده کاملاً منفرد نمیتواند بشود این مجلس دائر باشد و امور قوه تقنینیه تعطیل نباشد حالا آمدت اگر زیاد از سه ماه باشد در صورتیکه رای می دهیم که مدت سه ماه باشد چه خواهیم کرد یا اینکه انشاءالله بلکه طوری شد که دولت اعلان انتخابات کرد اقدامات جدی کرد و مردم همراهی کردند و انتخابات کمتر از سه ماه طول کشید و مجلس منعقد شد چنانچه خیلی هم احتمال دارد که هشتاد نفر نماینده که باید حاضر شوند تا مجلس افتتاح شود قبل از سه ماهه تمام حاضر شوند پس ما هیچ راضی نیستیم که حتماً سه ماه اینجا بمانیم در صورتیکه يك اکثریت قانونی حاضر باشند هر روزیکه آنها حاضر باشند ما با کمال میل و شغف میرویم و آنها را باینجا میفرستیم پس محدود نباید باشد

ادب التجار - از دستور بقیه قانون منع احتکار را اعلان فرمودید ولی يك تقاضائی نسبت باین مسئله داشتیم.

رئیس - راجع بدستور اگر فرمایشی دارید بفرمائید.

ادب التجار - خیر راجع بدستور نیست.

حاج عزالمالك - بنده عقیده ام این است مطابق جلسات قبل جلسه را معین فرمائید زیرا اگر چهارشنبه باشد مجبور میشویم پنجشنبه هم جلسه داشته باز دوز پشتر هم خواهد بود.

رئیس - رای میگیریم که فردا جلسه باشد یا روز چهارشنبه (گفته شد روز پنجشنبه).

رئیس - رای میگیریم در اینکه فردا جلسه داشته یا نه آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (عده قلیلی قیام نمودند).

رئیس - تصویب شد پس رای میگیریم بر اینکه روز چهارشنبه مجلس باشد یا خیر آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند عده قیام نمودند.

رئیس - تصویب شد پس میماند برای روز پنجشنبه (مجلس تقریباً دو ساعت از شب گذشته ختم شد).

جلسه ۲۲۳

صورت مشروح جلسه یوم چهارشنبه ۲۴ ذی قعدة ۱۳۲۹

رئیس - آقای مؤتمن الملك دو ساعت و بیست دقیقه قبل از غروب بکرسی ریاست جلوس فرموده و پس از یکربع جلسه رسماً منعقد شد (آقا میرزا رضا خان ثائینی صورت جلسه قبل را قرائت کردند اسامی غائبین جلسه قبل بشریب ذیل درضمن صورت مجلس قرائت گردید).

غائبین بدون اجازه دکتر اسمعیل خان - آقای طباطبائی میرزا علی اکبر خان

غائبین با اجازه - حاج سید نصرالله - دکتر جبر میرزا - آقای ادیب میرزا بودند آقایانیکه از اوقات مقررده تأخیر نمودند.

آقای میرزا مرتضی قلیخان - آقا میرزا قاسم خان - آقای مستوفی - حاج شیخ اسدالله هر يك نیم ساعت آقای معتمدالتجار ۵۰ دقیقه آقای آقا میرزا ابراهیم قی یکساعت.

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست **آقا شیخ غلامحسین** - در آخر صورت مجلس درضمن دستور امروز نوشته شده بود (تفریع بودجه مجلس) در صورتیکه تصور میکنم که آقای رئیس در جلسه قبل تفریع بودجه مجلس را از جزء دستور خارج فرمودند.

رئیس - به از دستور خارج شد ملاحظات دیگری نیست (اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب شد.

دستخطی از والا حضرت اقدس بریاست مجلس رسیده است چون فرموده اند که باطلاع نمایندگان مجلس برسد قرائت میشود (بمبارت ذیل قرائت شد) ۲۲ ذی قعدة ۱۳۲۹

ریاست مجلس شورای ملی

قانون جدید تکلیف موقع انتخابات را تعیین کرده ولی چون تازه از مجلس گذشته این دفعه

تکلیف آن معلوم نبوده و نظر باینکه مابین انفصال دوره تفنینه و امر انتخابات جدید تراضی حاصل نشود اینجاست برورای عظام در دو روز قبل بپادآوری نموده و در غیاب مستشار وزارت داخله و مستشار وزارت عدلیه درخواست کردم و صورت فرمان اعلام انتخابات جدید را حاضر کرده ولی چون میبایستی بتصویب وزراء عظام برسد زیرا که معلوم است در مملکت مشروطه سلطنت عظمی با ثبات سلطنت نمی تواند بدون تصویب و معاونت وزراء اقدامی در امور نماید بواسطه بحران کابینه اقدام باین امر موقوف مانده برای اینکه نسبت قصور و غفلت بانجام داده شود این مشروطه را زحمت دادم که در مجلس شورای ملی در این باب کسب تکلیف فرمایند.

رئیس - گمان نمیکنم در این خصوص مذاکره لازم بشود ترتیب این است که وزرای سابق مشغول کار خودشان باشند و سر کار خودشان بپایند تا وزرای جدید انتخاب شوند اگر مخالفی نباشد همینطور بایشان عرض شود که ترتیب اعلام انتخابات را وزرای سابق بدهند تا وزرای دیگر معین شوند در این خصوص مخالفی نیست (از طرف عموم نمایندگان) اظهارات آقای رئیس صدیق و تصویب شد.

رئیس - قانون منع احتکار هنوز حاضر نشده است قانون شرکتها جزء دستور است و چند نفره راپورت کمیسیون بودجه است قانون شرکتها خوانده میشود ماده پنجاهم.

ماده ۵۰ - مدیر یا مدیران شرکت برای مدت معینی از میان شرکاء مسئول بانتخاب معین می شوند.

رئیس - بنده موافقم ولی لفظ مدیر گویا حل نشده است.

بهجت - این مطلب مکرر مذاکره شد و يك جزوی مانده که باید حل بشود يك مدیر شرکت است و یکی هم مدیر اداره که معین میشود برای شعبات شرکت در ولایات عقیده بنده این است که اگر برای شعبات ولایات باشد که قید بشود مدیر مسئول باشند آن وقت ممکن است بیست سی شبهه داشته باشند شرکت در صورتیکه شرکاء مسئول عده شان بیش از ده نفر نباشد در این صورت بصورت گرفتار میشوند بعقبه بنده باید مدیر شرکت که در مرکز است از شرکاء مسئول باشد حتماً لکن در شعبات اگر از شرکاء غیر مسئول هم باشد عیب ندارد و همین قدر که از شرکاء باشد کافی است بهجت اینکه با يك سرمایه جزئی هم ممکن است شرکت حاصل شود پس بعقبه بنده باید در مدیر مرکز قید بکنیم که حتماً از شرکاء مسئول باشند لکن در مدیر های شعبات از شرکاء غیر مسئول میتوان تعیین شوند.

افتخار الواعظین مخبر کمیسیون - خیر این طوری که اظهار میشود مراد از مدیر شعبات ولایات باشد این طور نیست مراد از این مدیر مدیری است که مسئول امور شرکت و مسئول صلاح و فساد کلیه منافع شرکت است نه مراد رؤسای شعبات ولایات باشد.

حاج عزالمالك - بنده مخالفت سابق خودم را باز تکرار میکنم و هیچ دلیلی نمیتوانم در اینکه اینجا قانون میگذاریم برای اینکه مدیر از شرکاء مسئول باشد خیلی مسئله مهمی که آقای مخبر در

جلسات سابقه اظهار میکردند نظر باین بود که مدیر مسئول وجهی در شرکت دارد بیش از سایر شرکاء باین جهت بیشتر دلسوزی خواهد کرد پس بهر این است که از آن کسی که وجه بیشتر در شرکت دارد انتظارها را مدیر باشد و بنده این دلیل را صحیح میدانم بهجت اینکه اولاً مدیر شرکت معلوم نیست که مداخله در امر شرکت میکند بقدر سهم و سرمایه خودش که پیشه دلش بسوزد از برای آن وجهی که در شرکت دارد مدیر باید کسی باشد که بموجب آن نظامنامه که نوشته شده میتواند عمل کند و از آن حدود خطی ننگد و این هیچ منافاتی ندارد در اینکه او سرمایه زیاد داشته باشد یا کم بنده تصدیق میکنم که باید شرکاء مسئول انتخاب بکنند و آنها حق خواهند داشت از شرکاء مسئول انتخاب بکنند باز خارج باعتقاد بنده ما نباید دست آنها را ببندهیم که اگر يك شخص لایق اداره کردن شرکت باشد خود شرکاء مسئول نباشد آنها نتوانند او را انتخاب کنند و از آن استفاده کنند.

افتخار الواعظین - بنده گمان کردم بعد از عرایش امروز بنده رفع اشکالات آقای عزالمالك شده باشد بنده عرض کردم مراد از مدیر رؤسای شعبات نیست مراد از مدیران کسی است که مصالح و منافع کلیه شرکت باید بآنها باشد کسیکه يك مرتبه میخواهد دولت هزار تومان برای شرکت فرض بکند یا فرض بدهد چنانچه چطور تصویب میفرمائید که از شرکاء غیر مسئول باشد البته باید از شرکاء مسئول باشد آن کسیکه اختیار کلیه امور شرکت را میسازد بدست او بیهوش مشورت او آنها باید در مضلات امر شرکت به پیشیند روی بدهند بدیهی است که آنها باید از شرکاء مسئول باشند از غیر مسئول نمیشود مثلاً اینکه همین شرکت فندسازی این سیم نقاله را که میخواهد بکشد البته از برای شرکت بکشد و يك مدیرانی باید باشد که بصلاح و صواب دید او با آنها کارهای شرکت اداره شود اما خود مدیر که محققاً نخواهد رفت در معدن ذغال سنگ کار بکند باید يك نفر مهندس را استخدام میکنند که او میرود سر معدن کار بکند مراد از مدیران آن کسی است که در شرکت مسئول باشد و درست توجه بکند بامور شرکتی آنها آنها لایق معامله میکنند با مدیرهای شعبات مانده ایم که آنها حتماً از شرکاء مسئول باشند از شرکاء غیر مسئول هم میتوانند باشند که بآنها مواجب بدهند که مشغول کار باشند.

معین الرعايا - مراد از مدیران در اینجا همان شخصی است که این تجارتخانه را میگرداند مثل همین رئیس بانک شاهنشاهی که در اینجا است و تمام اختیارات بدست او است این رئیس بانک که در اینجا است حقیقتاً مدیر کار است این هیچ لازم نیست که از شرکاء مسئول یا غیر مسئول باشد شخصی که لیاقت داشته باشد که مدیر يك اداره يك تجارتخانه دوست سبده هزار تومانی باشد هیچ تفاوت ندارد که از شرکاء مسئول یا غیر مسئول باشد بعقبه بنده هم نباید دست و پای شرکت را بدست ممکن است يك شخص خارجی باشد و خیلی بهتر از خود شرکاء میتواند کار بکند این حقیقتاً يك قیدی است که دست و پای شرکت را میبندد و يك عیب دیگری هم باین قید بنظر بنده میآید و آن این است که ممکن است در شرکت ده نفر شرکاء

مسئول باشند که در بین آنها یکی دوقتر صاحب نفوذ باشند و آنها خودشان را بواسطه همین نفوذ مدیر قرار بدهند و این اسباب این میشود که يك عیبی بآن شرکت وارد خواهد آمد چنانچه اگر بخواهیم يك قدری تصور بکنیم در همین اواخر می بینیم که همین قسم شرکتها تشکیل شد و اشخاصی که بین آنها صاحب نفوذ بودند خودشان را مدیر کردند و صدمات کلی شرکت وارد آوردند باین لحاظ اگر باختیار خودشان و اکرار شود بهتر است.

حاج وکیل الرعايا - آقای معین الرعايا يك فرمایشی در آخر نطقشان فرمودند که لازم است عرض بکنم آرزوی ما این است که آینده ما مثل گذشته ما نباشد در گذشته مملکت ما ولو اینکه قانون داشت اما آن شخصی که مجری قانون بود خودش مغرب قانون بود باین جهت نمیتوان گذشته را نسبت بآینده داد و اینجا بعضی از آقایان اظهار کردند که شاید در بین شرکاء مسئول کسی نباشد که لیاقت مدیری داشته باشد اگر جماعتی جمع شدند و موسس شدند خواستند يك تجارتی کنند و آنها جماعتی بودند که بین آنها يك نفر نبود که لایق مدیری باشد بنده عرض میکنم که اینجا از اول اشتباه کردیم باید که خودشان را داخل چنین کاری کرده اند بنده عرض میکنم يك هیئتی که تقریباً بآنها مؤسسين میگویند و تقریباً میان آنها اشخاصی نباشند که تجارتشان و شغفشان باشد آن شرکتی که میخواهند تشکیل بدهند و باندازه در او محیط نباشند که سهو کمتری برای آنها واقع شود و نداشتند از بین خودشان کسی را که بدست مدیری منتخب نمایند بنده عرض میکنم يك چنین اقدامی از يك چنین هیئتی غلط است غلط است آنها نباید داخل اینکار بشوند اینها باید اشخاصی باشند که يك سهو کمتری از آنها واقع نشود آن مدیر بدیخی که میخواهد تشکیل يك اداره بکند و سر اداره باشد اگر اینطور بی اطلاع باشد او نمیتواند کار بکند بهجت اینکه این نمیدانند این خوب است باید است باید مدیر اول خودش يك احاطه و يك سابقه بکار داشته باشد بلی شما عرض کنم که شما هر چه میخواهید قانون بگذارید اما عرض میکنم آن کسیکه مدیر است باید طوری بصیرت داشته باشد که حتی رؤسای شعبات ولایات را هم که عمال شرکت هستند منتخب می نمایند این مدیر باید آقدر بصیرت داشته باشد که بداند این کافی ولایت است یا کافی مدیر و هیئت مدیره آن کسانی هستند که حاکم هستند حامل اشخاص دیگری هستند که کار میکنند ما نمیتوانیم يك شخص حاکمی را در يك اداره تجارتی از يك جای دیگری استخدام کنیم که او اداره بکند شرکت را این يك چیزی است که در دنیا هیچ مثلش نیست اگر شما می بینید از خارج بعضی مستخدمین جلب میکنند برای ادارات دولتی این را برای اینست که در طرف هم مقام مساوی هستند يك دولتی را يك دولتی استخدام میکنند اما عرض کردم شما حالا معتارید میخواهید بکنید میخواهید نکنید.

رئیس - مذاکرات کافی است دوقتره پیشنهاد شده است قرائت میشود.

(از طرف کاشف بمبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۵۰ اینطور نوشته شود: مدیر یا مدیران شرکت برای مدت معینی از طرف شرکاء مسئول انتخاب خواهند شد (از طرف

حاج عزالمالك)

ماده ۵۰ - مدیر یا مدیران شرکت برای مدت معینی از طرف شرکاء مسئول انتخاب میشوند.

کاشف - این مذاکراتی که میشود مخصوصاً اظهارات آقای حاج وکیل الرعايا قدری اشتباه است هیچ ملازمه ندارد بین اینکه من مؤسس باشم و از امور تجارتی اطلاع نداشته باشم ممکن است مؤسس باشم و از امور تجارتی اطلاع نداشته باشم اگر نخواهیم عقید بکنیم که حکماً از شرکاء مسئول باشد باید يك شخصی که خیلی لیاقت و اطلاعات علمی او بیش از شرکاء مسئول باشد و سرمایه نداشته باشد باشد باشد و در يك کار مخصوص صرف کرده باشد که در این شرکت دیگر نتواند آن سرمایه خودش را بکار اندازد نباید طوری باشد که نتواند يك چنین شخصی را مدیر نمایند چون شرکتها ممکن است شعبات بسیار داشته باشند هیچ مجبور نیستند که مدیران شعبات از شرکاء باشند و این قید اسباب این میشود که کار شرکت بیش نمیرود از این جهت بنده این پیشنهاد را کرده ام.

حاج عزالمالك - بنده تصور میکنم که آنجا که از طرف کمیسیون پیشنهاد شده بود و بگذرد باعث نگذاشتن این ماده بشود اگر بگوئیم چند نفر سرمایه دار تشکیل يك شرکتی را بدهند هیچ نمیتوان گفت که مجبور هستند امور اداری را هم آنها ترتیب بدهند اگر يك چند نفری پول دارند و میخواهند شرکت تشکیل بدهند و يك شخصی را از خارج بیاورند مدیر کرده اختیارات شرکت را بدست او بدهند چطور ما آنها را مجبور کنیم که حتماً باید از بین خودشان مدیر انتخاب کنند ولی نباید اختیار را از آنها گرفت که نتوانند دیگری را مدیر نمایند بعقبه بنده این يك چیز غریبی است و باید باختیار خود آنها و گذار شود.

افتخار الواعظین بر خلاف آنچه پیشنهاد کرده اند بنده عقیده ام این است که اگر این پیشنهادها بگذرد مخالف مصالح این قانون باشد آن کسی را که میفرستند از اینجا ببرد اصفاً پنه ببرد او را نمیگوئیم مدیر باشد یا کسی را میفرستیم عراق قالی ببرد یا در کرمان و خراسان طرف معامله شوند مدیر آنها هستند که هر سه ماه يك مرتبه می نشینند و شور می کنند که آیا يك شعبه از این شرکت زادر کرمان دایر بکنیم یا خیر یا يك شعبه باسلامبول بفرستیم یا نفرستیم آنوقت آن کسی که میفرستند باسلامبول مراد از مدیر اونست او میتواند از شرکاء مسئول یا غیر مسؤول باشد مراد از مدیر شرکت کسی است که مصالح شرکت در دست او باشد و محققاً او باید از شرکاء مسؤول باشد چطور میشود که يك هیئتی يك گروه سرمایه بتوسط سهام حاضر کرده باشند ولی برای سه چهار نفری که بنشینند و رای بدهند که تجارت قالی برای ما نفع دارد یا ندارد اینقدر شعور ندارند و بین آنها آن قدر اشخاص پیدا نمیشوند که این کار را بکنند عرض کردم مراد از مدیر معامله کن نیست مراد کسی است که مسؤول است و در مقابل سایر شرکاء مثل وزیر که در مقابل مجلس مسؤول است و لازم نیست که تمام جزئیات امور اداری خودش را بداند ولی میرود

يك مردم عامی را می آورد و مشغول اداره کردن می شود.

رئیس - رای میگیریم باصلاح آقای کاشف و الزامات آقایانی که اصلاح ایشان را قابل توجه میدانند قیام نمایند (بعضی قیام کردند).

رئیس - قابل توجه نشد رای میگیریم بپناه پنجاهم آقایانیکه ماده پنجاهم را تصویب میکنند قیام نمایند (بعضی قیام کردند).

رئیس - تصویب شد یعنی رد شد (ماده ۶۱)

ماده ۶۱ - اگر مدیری در امریکه راجع به شرکت است ذینفع باشد باید به هیئت مدیران ذینفع بودن خود را اطلاع دهد و خود او هم در آن امر بخصوص حق رای دادن نخواهد داشت.

آقای میرزا احمد - بنده در آن جلسه عرض کردم این ماده دوهیب دارد در جواب فرمودند مثل ماده ۳۸ اصلاحات میشود اصلاح نشده است باز مکرراً عرض خودم را میکنم فرض میکنم که شرکت بر حسب مورد دارای يك مدیر شد بطوریکه در مواد سابقه هم می نوشتیم مدیر یا مدیران در صورتیکه بکشد میفرماید و ذینفع شد بکه اطلاع بدهد مدیر دیگری نخواهد داشت فرض کنیم دوقتر هستند بکنند ذینفع شد باید به مدیر دیگر اطلاع بدهد و آن قیدی که در ماده ۳۸ شده است (در صورت تعدد) آن قید را اینجا هم لازم میدانم همانطوری که آنجا اصلاح شد اینجا هم باید اصلاح شود.

افتخار الواعظین - بنده واقعاً با کمال تأسف عرض میکنم که در ماده هر قدر توضیح کمتر داده شود ماده زودتر خواهد گذشت و بعد عرض میکنم اگر بکنند مدیر باشد نمیتواند اصلاً اقدام در آن بکند و اگر فرضاً پنج نفر مدیر است سه نفر مدیر خواهند شبهه از این تجارتخانه در کرمان دایر نمایند بکنند از آن مدیرها این چنین شعبه در کرمان بچال او مضر است آن وقت او باید بگوید که من خودم شعبه این کار را در کرمان دارم و در موقع رای دادن هم رای ندهم بهجت اینکه ممکن است آن شخص بواسطه نفع شخصی خودش رای ندهد که در کرمان این شعبه دایر شود و این تصور در وقتی است که مدیران باشند اما در وقتی که بکشد میفرماید اگر این کاری که اقدام میکنم برای خودش نفع دارد یا اگر ضرر دارد برای خودش آن وقت میرود با سایر شرکاء شور میکند پس از شور اقدام می کند.

بهجت - اولاً اشکالات آقای آقامیرزا احمد را مغیر جواب نداده صحبت در اینست که مدیر خودش که ذینفع شد باید با شرکاء در این خصوص مشورت نماید و رای آنها را اتخاذ نماید این صحیح است و در ماده هم نوشته است (که اگر مدیر ذینفع باشد الی آخر) ولی چیزی که هست بنده عرض میکنم که باید يك مراتبی و يك درجانی برای این ذینفع معین شود که تا چه اندازه ذینفع باشد که بشرکاء اطلاع بدهد و این مسئله يك چیزی است که باید محدود باشد و دوم اینکه اگر ذینفع شد و اطلاع نداد يك مجازاتی برای او هست یا نه مثلاً همینطور که گفته شد در فلان جا میخواهند دایر کنند

در صورتی که این شخص همانجا يك تجارتی داشته باشد و اطلاع ندهد آنوقت چه میشود بنده گمان می کنم که این شکلی که آقای مخبر دفاع میفرمایند این مسئله حل نشود پس خوب است تقاضا کنند که اینجاده بر گردد بکمیسیون تا آنکه در جات ذی نفع بودن او محدود شود و يك ترتیب صحیحی را اتخاذ فرمایند که تولید اشکال نشود.

آقای میرزا احمد - بنده مکرر میگویم عریضی که کرده ام و توضیح میگویم از آقای مخبر چون فرمایشی که فرمودند بنده نمیدانم راجع بکدام یکی از عریض بنده بود عرض میکنم یکم مدیری شرکت دارد و يك شعبه هم فرض می کنیم از برای خودش دائر کرده است و در اینجا ذی نفع واقع شده است حالا اگر خواسته باشد يك شعبه در آنجا دائر بکنند شاید نسبت بذی نفع بودن خودش تصور يك ضرری را بکند در اینصورت نفرستند و نفرستادن ذی نفع بودن مدیر را میرساند یعنی مدیر اگر یکی است که حقش این است که بشرکاء مسئول اطلاع بدهد و اگر رای دادند آن شعبه را با آنجا بفرستند والا نفرستند حالا اگر رای دادند و نفرستاد تکلیف چیست اگر مدیر دو تا شد باز این عبارت هیئت مدیران غلط است بواسطه اینکه در اینجا نوشته است باید به هیئت مدیران ذی نفع بودن خود را اطلاع بدهد آن وقت اگر هیئت مدیران در آنکار رای دادند آنکار را بکنند اگر رای ندادند آن شعبه را نفرستند در اینصورت عرضم این است که هیئت مدیران غلط است باید نوشت بمديران دیگر اطلاع بدهد مگر اینکه از دوفتر بیشتر باشد در آن صحیح است و در این خصوص پیشنهادی کرده ام و استندما میکنم رای بگیرند.

تکثیر حیدر میرزا - بنده عرض میکنم ما خصوصاً و ایرانی عموماً در اساس این شرکت آن قدر با علم و با اطلاع نیستیم و این اساس تجربه و اطلاع قوم بزرگی است که تجارت بی شمار اساس اینکار را چیداند و وقتی که چنین باشد و ما هم که نمیتوانیم از اساس اینکار درست آگاه باشیم بدون اطلاع و تجربیات پس هر وقت در میانه ما این اساس شرکت پیدا شد یعنی مردمانی پیدا شدند که خواستند از روی این شرکت رفتار کنند البته در آن شرکت هم تارتکدی سابقه و اطلاع بهم میرسانند پس وقتی که ما این اندازه بی علم و اطلاع باشیم شاید چیزی میگوئیم مخالف با حقیقت و واقع باشد و نباید باعتقاد بنده در کاری که چندان علم و اطلاع نداریم مخالفت بکنیم و ترجمه و ظاهر عبارت نمیشود اساس تازه چید ممکن است اهالی این مملکت بعد از آنکه مشغول شرکت شدند و علم و اطلاع بر حقیقت اشیاء پیدا کردند مفهوم این عبارت را خیلی بهتر از ماها بفهمند.

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - از این فرمایش بنده هیچ فهمیدم که نباید حرف زد و آنچه نوشته اند احتمالاً گفت این عبارت خوب است و این عبارت صحیح است مقصود از این عبارت این است که هرگاه شرکتی هست و چند نفر مدیر دارد و می خواهند يك کاری بکنند و یکی از آن مدیرها شخصاً در این شرکت نفع شخصی دارد مقصود این است نه اینکه آن طوریکه آقای مخبر فرمودند که اگر نفع دارد میکنند و اگر نفع ندارد نمیکند میگویند

اگر شرکت خواست کاری بکند و نفعی ببرد آنوقت او میتواند کاری بکند که خودش متفلسف بشود نه شرکت باید بیاید بهیئت مدیران اطلاع بدهد و رای بگیرد بجهت اینکه او ذی نفع است مثلاً چند نفر مدیر هستند میخواهند چیزی بخرند و متاعی از جایی بخرند آن متاعی را که میخواهند بخرند مثلاً ملک میخوانند بخرند پس این شخص مالک آن است میگوید بخرند یعنی آن شخص شخصاً نفع می برد نه از برای شرکت این باید بیاید اطلاع بدهد و رای بدهند پس وقتیکه میخواهند رای بدهند باید يك هیئتی باشند که با آنها اطلاع بدهد که من نفع شخصی دارم دوم آنکه آقای بجهت فرمودند که هرگاه چنین مدیری ذی نفع است و نگفت من ذی نفعم و رای هم داده البته آن وقت باید مجازاتش کرد.

مخبر - مجازاتش بعد میاید.

زنجانی - البته بعد از مجازات نمی هم که باو عاید شده است باید بشرکت مسترد بدارد و در اینباب هم پیشنهادی کرده ام قرائت شود.

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد يك فقره اصلاح از طرف آقای آقا میرزا احمد پیشنهاد شده است باین پیشنهاد آقای زنجانی قرائت میشود (اول از طرف آقا میرزا احمد عبارت ذیل قرائت گردید)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده (۶۱) این قسم نوشته شود اگر مدیری در امریکه داجع بشرکت است ذی نفع باشد در صورت تعدد به هیئت مدیران والا بشرکاء مسئول باید اطلاع بدهد و خود او هم در آن امر بخصوص حق رای داشته نخواهد داشت (دوم از طرف آقای زنجانی).

بنده پیشنهاد میکنم که به ذیل ماده ۶۱ اضافه شود والا نمی که باو عاید شده باید بشرکت مسترد دارد.

رئیس - این دو مطلب عاجز است آقای آقا میرزا احمد توضیح بدهید.

آقای میرزا احمد - بنده مان قسمی که آقای آقا شیخ ابراهیم فرمودند ممکن است اگر مدیر متعدد نباشد برای اونوقت مخصوصه باشد غیر از نفع شرکت در آن صورت باید به هیئت شرکاء مسئول اطلاع بدهد اگر اجازه دادند عمل میکنند و اگر اجازه ندادند حق ندارد.

رئیس - این پیشنهاد را کمیسیون قبول دارد.

مخبر - خیر این مگر نه موادی است که در مجلس مذاکره شد و عین همین فرمایشات شد بعضی پیشنهادها شد رجوع شد به کمیسیون و در کمیسیون مذاکرات شده است بالاخره معلوم شده است که این ماده باید بهمین شکل ابقاء شود والا تصور میکنند که شرکاء مسئول تمام در طهران حاضر هستند و می خواهند يك شرکتی بکنند مثلاً مدیر اگر بخواهد يك زمین بخرد برای شرکت مال پسرش است آن زمین را بخرد برود بشرکاء مسئول اطلاع بدهد در صورتیکه ممکن است یکی از شرکاء در شیراز باشد یکی در خراسان باشد و احتمال دارد ده تایش در اروپا باشد مدیر حضور میتواند با این راههای بعده اطلاع بدهد و این که میگویند اگر مدیر دو تا شد بنده عرض کردم مراد از مدیران هیئت مشاوره است و هیئت مشاوره را خودشان باید بدانند

چرا کمتر از سه نفر نمیشود معین کرد برای اینکه اکثریتشان معلوم بشود آخر آنها باید به نشینند مذاکره و مشاوره بکنند و رای بگیرند باید اقلاً سه نفر یا نه نفر یا هفت نفر باشند و حتماً باید زیاده از دو نفر باشد والا دوفتر حضور میشود رای بدهد باید زیاده از دوفتر باشد اگر نظر مبارکشان بآن اشخاص است که عامل شرکت هستند و از برای شرکت داد و ستد میکنند عرض میکنم که مراد آن اشخاص نیستند و این جا مراد از ذی نفع بودن فرمودند که ذی نفع بودن شخصی است بنده هم عرض میکنم که شرکت بنده هم ذی نفع بودن شخصی را عرض کردم و ۶ نفر شرکاء میخواهند جمع شوند میخواهند مشورت کنند که يك شعبه از این شرکت را هم در اصفهان برای فلان تجارت مخصوص دائر بکنند یا نه یک نفر از شرکاء مسئول در اصفهان این تجارت مخصوص را دارد میداند که اگر این شعبه هم برود آنجا دائر شود با او رقابت خواهد کرد و ضرر برای او خواهد شد و آن شعبه را نوشتند این است که میگویند باید بدیگران بگویند که آقایان بنده در این امر ذی نفع هستم و عین این تجارت را در اصفهان دارم باید این اطلاع را بدهد و در وقت رای دادن هم خودش باید رای ندهد اما آنچه فرمودند اگر ذی نفع بودن خودش را اطلاع نداد آنجا چه باید کرد البته آن تصمیمی است و تصمیمی را که کرده است در فصول جزا آن طوریکه باید مجازات تمام آن تصمیمات معین شده است البته مجازات خواهد شد.

رئیس - رای میکنیم باصلاح آقای آقا میرزا احمد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد آقای زنجانی در پیشنهاد خودتان توضیحی دارید بفرمایند.

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - اگر مجازات معین خواهد شد بنده مسترد میکنم.

رئیس - رای میکنیم بناد ۶۱ آقایانیکه ماده ۶۱ را تصویب میکنند قیام نمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد ماده ۶۷ (بجارت ذیل قرائت شد)

ماده ۶۷ - شرایط صحت تشکیل شرکت محدود و مصدق کردن شرکت نامه و قیوه از قراری است که در مواد ۳۶ الی ۴۶ مقررات با ملاحظاتی ذیل اولاً استماعی اجازه بامضاء و مهر مؤسسين خواهد بود ثانیاً هر سهم بامضای لااقل دو نفر از مدیران و دوفتر از هیئت نظاره در صورت تعدد مدیر و الا بامضای مدیر و دو نفر از هیئت نظاره برسد ثالثاً اظهاراتیکه در ماده ۴۴ مقرر است باید از طرف مؤسسين بعمل آید و صحت اظهارات آنها در اولین جلسه مجلس دارندگان سهام یعنی در مجلس اساسی رسیدگی شود.

رئیس - مخالفی هست (اظهاری نشد).

رئیس - رای میکنیم بناد ۶۷ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد ماده ۷۰ (بجارت ذیل قرائت شد)

ماده ۷۰ - مدیر یا مدیران شرکت باید بقدر صدی در از سرمایه شرکت دارای سهام باشند در

صورتیکه سرمایه از دو کرور بیشتر نباشد آن دو کرور بیشتر نباشد يك كافیست.

رئیس - در ماده ۷۰ مخالفی هست.

حاج عزالمالک - بنده این ماده را خیلی مربوط میدانم بناد ۵۰ كافی تصویب نشد در صورتیکه آن ساده تر از این بود و رد شد و این ماده خیلی بنظر بنده مشکل است تقریباً چیزهایی را محدود میکنند که ما هیچ نمیتوانیم همچو قانونی بگذاریم مثل اینکه چند کرور مالیه مملکتی که اداره میشود بگوئیم اشخاص باید مباشر باشند که صدی فلاندر از مالیه مملکت دارا باشند باعتقاد بنده اینجاده هیچ لازم نیست و این را خوب است اختیار خود شرکاء بگذاریم هر کس را صلاح میدانند معین کنند دیگر این شرط که چندر سرمایه داشته باشند لازم نیست.

رئیس - بطوریکه میگویند اینجاده مربوط به آنست دیگر مذاکرات لازم نیست رای میکنیم آقایانیکه ماده ۷۰ را تصویب میکنند قیام نمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد ماده ۷۷ (بجارت ذیل قرائت شد)

ماده ۷۷ - فسخ شرکت چهارگانه از قرار ذیل است ۱ - در صورت رضای تمام شرکاء ۲ -

در صورت انقضای مدت شرکت ۳ - چنانچه مدتی برای شرکت معین نشده باشد در صورتیکه يك یا چند نفر مایل بشرکت نباشند و اگر معین شده است شرکاء حق فسخ ندارند مگر آنکه علت صحیحی پیشنهاد کنند ولی در هر صورت شریکی که میخواهد از شرکت خارج شود باید مراتب را قبل از وقت بسیار شرکاء اطلاع دهد ۴ - در صورتیکه حصول بقصد بیک شرکت را برای آن تشکیل دادند ۵ - در صورت تلف شیشی یا اشیائی که علت تشکیل شرکت شود ۶ - در شرکت خصوصی و شرکت مختلطه در صورت فوت و ورشکستگی و در تحت قیمومیت رفتن یکی از شرکاء ۷ - در شرکت سهامی محدوده در صورت موفقت ثلث سرمایه ۸ - در صورت تلف حصه جنسی.

رئیس - مخالفی هست.

لسان الحکماء - در این ماده هفتاد و هفت جمله ای است که شرکت باطالع منفسخ میشود پس بقیه بنده در اول که نوشتند فصل پنجم فسخ شرکت چهارگانه از قرار ذیل است در فقره دوم می نویسند در صورت انقضای مدت شرکت این فسخ لازم نماید انفصال باید بشود يك اصلاحی پیشنهاد کرده ام که فسخ و یا انفصل شود اما در فقره سوم که نوشته است (چنانچه مدتی برای شرکت معین نشده باشد در صورتیکه يك یا چند نفر مایل بشرکت نباشند و اگر مدتی معین شده است شرکاء حق فسخ ندارند مگر آنکه علت صحیحی پیشنهاد کنند ولی در هر صورت شریکی که میخواهد از شرکت خارج شود باید مراتب را قبل از وقت بسیار شرکاء اطلاع بدهد این بقدری بد نوشته شده است که مبتداه و خبر این معلوم نیست باین جهت بنده پیشنهادی کرده ام خوانده شود.

رئیس - در موقع خودش اصلاح خوانده می شود.

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - بنده هم در چند مقام این عرض را دارم اولاً صحیح میفرمایند فسخ صحیح نیست بنده انفصال واضح میفرمایند بجهت اینکه بعضی جاها فسخ است بعضی جاها انفصال ولی انفصال برای هر دو جا شامل است یکی هم شرکاء حق فسخ ندارند مگر اینکه علت صحیحی پیشنهاد کنند این علت صحیح را کجا پیشنهاد کنند و چه کسانی تصدیق کنند و آن عبارت هم خوب است که شریک اگر بخواهد خارج شود عبارت صحیحی است بنده نوشته ام پیشنهاد میکنم یکی هم در صورت تلف شیشی یا اشیاء گویا این مقصود نیست گویا برای فوت مقصود شرکت باشد مثلاً شرکت تصویب کرده بود که فلان مال را خریداری نمایند یا فلان جا را بسازند بعد می بینند که آن محل ساخته شده گویا مقصود این است نه اینکه يك شیشی یا اشیائی باشد این است که از برای اصلاح اینجا پیشنهادی کرده ام خوانده شود.

مخبر - اینکه شاهزاده لسان الحکماء فرمودند که بعضی جاها فسخ است و بعضی جاها انفصال بنده میخوانم بگوئیم که تمام صورتی که در شرکت باید فسخ شود یا میشود چه مقامی دارد باید تمام صورت مقصود را در قانون ذکر کرده اولاً در صورت رضای تمام شرکاء و در صورتیکه تمام شرکاء جمع شوند بخواهند فسخ کنند فسخ شود یا نشود شاید رضای شدند و فسخ نکردند در صورتیکه انقضای مدت شرکت نشده باشد آنجا میتواند شرکاء جمع شوند ثانیاً شرکت را تشکیل بدهند و تمام سهام آنها را آنجا بدهند فرمودند در صورتیکه ۹ نفر یا چند نفر مایل بشرکت نباشند مدتی برای شرکت معین نشده باشد هیچ این عبارت خوبی نیست گمان میکنم که این عبارت خوبی باشد برای مقصود کافی است برای اینکه از دوشی خارج نیست یا برای شرکت مدت معین بوده است یا نبوده است اگر چنانچه مدت معین داشته است باید بدیگران اطلاع بدهد اگر مدت معین نداشته است مثلاً چند نفر آمدند با هم شرکت کردند برای اینکه يك کارخانه بخرند یکی دایر بکنند پول هم دادند چند کارخانه آوردند اگر مدت معین نشده است شرکاء حق فسخ ندارند مگر اینکه علت صحیحی پیشنهاد کنند و علت صحیح را هم باید مجلس دارندگان سهام پیشنهاد کنند و آن ها هم تصویب بکنند و دیگر آنکه اشیاء فرمودند مراد تلف اشیاء نیست فوت مقصود است مقصود را بنده نفهمیدم مراد در فقره پنجم این است که اشخاصی می آیند که کارخانه بخیرند یا دایر بکنند یا دائر هم کردند بکمرته شب در کارخانه يك احتراقی پیدا شد و اینکارخانه سوخت و یا آنکه يك دفعه کشتی های آن ها غرق شد در دریا در این دو صورت اتفاقی است که شرکت فسخ میشود مراد از این ماده این است که آن چیزهایی که علت تشکیل این شرکت شده است آن ها هم از تلف شدن یا بعضی از آنها تلف شود

هشترودی - عرض بنده این بود که در فقره دوم نوشته شده است در صورت انقضای مدت شرکت این بدیهی است که فسخ نیست یعنی کار خود بخود تمام نشد یعنی مدتش تمام شد و میخواهند کارها را بهم بزنند این ماده هیچ ربطی بفسخ ندارد باید گفت منفصل شده است خود بخود پس فقره دومی ابتدا مربوط

توضیح بدهند.

افتخار الواعظین - در صورت فوت و ورشکستگی و در تحت قیمومیت رفتن یکی از شرکاء صحیح است بجهت اینکه سه نفر آمدند با هم شرکاء شدند و تشکیل شرکتی دادند یکی از آنها اگر مرد این شرکت بهم می خورد حالا بینیم که وارث آنها تجویز میکنند این شرکت را بنا خیر اگر تجویز کردند این شرکت باقی است اگر تجویز نکردند منفصل میشود و در تحت قیمومیت هم رفتن از عنوان اولیه خارج میشود یعنی منتقل می شود بصغار و این جا هم اجازه لازم است به بینیم و لیس اجازه می دهد یا نمی دهد و ورشکستگی هم چنین است اشخاصی که طلب کارند ممکن است مال

فسخ نیست درسیمی که نوشته است (چنانچه مدتی برای شرکت معین نشده باشد در صورتیکه يك یا چند نفر مایل بشرکت نباشند) این تعیین این است که بگنفر یا چند نفر که هستند میروند فسخ میکنند اگر مدتی معین شده است شرکاء حق فسخ ندارند این خودش صحیح نیست بجهت اینکه هر کدام از آنها خواستند خودشان را عقب بکشند میتوانند عقب بکشند حقش هست چون از عقود لازمه است و جاریه آقایان می دانند حالا من نمیخواهم شریک باشم مگر اینکه در موقع عقد شرکت طوری بکنند که کردن گیرش کنند که دیگر ممکن نشود کنار بگذرد بنده عقیده ام این است که تفکیک نمایند این دوشی را حالا فسخ بنویسند بنویسند از آن جمله شرط پنجم که می نویسند در صورت تلف حصه جنسی آنجا هم فسخ شرکت معین این است که حتماً فسخ میشود در صورتیکه می توانند فسخ بکنند میتوانند نکنند این را هم باید نوشت که حق دارند بهم بزنند و صورت ظاهر این عبارت این است که باید بروند فسخ بکنند یعنی این شرایط اگر موجود شنید اینها اگر شد نباید فسخ کنند اینها را باید اصلاح کرد

آقای سید حسن مدریس - گمان می کنم فرمایشات آقایان غالباً صحیح است و رفعش باین میشود که اگر آقای مخبر قبول بفرمایند این طور نوشته شود که شرکت چهارگانه در موارد ذیل منفسل میشود که عنوان مطلب انفصال باشد و در آخر سال آن جمله ۳ که آقای هشترودی فرمودند اینطور نوشته شود که هر يك از شرکاء فسخ نخواهند نمود مگر آنکه علت صحیحی پیشنهاد کنند و اما اگر بنویسیم حق فسخ ندارند خالی از اشکال نخواهد بود و اما آن جوریکه نوشته ام که هر يك از شرکاء فسخ نخواهند نمود مگر اینکه علت صحیحی پیشنهاد کنند و آن عنوان را اگر آقای مخبر قبول بفرمایند اغلب این شبهات بی موضوع خواهد بود

معین الرعایا - در ششم نوشته است (در شرکت خصوصی و شرکت مختلط در صورت فوت و ورشکستگی و در تحت قیمومیت رفتن یکی از شرکاء) بنده تصور می کنم که صحیح نباشد بجهت اینکه ۵۰ نفر شاید تشکیل شرکت بدهند ممکن است یکی از آنها یا فوت شود یا از کار شخصی خودش ورشکست شود عرض میکنم در این مورد نباید شرکت بهم بخورد و فسخ شود یکی هم در شرط هشتم نوشته است در صورت تلف حصه جنسی بنده آنرا نفهمیدم که چه طور میشود خوب است توضیح بدهند.

او را عوض طلب خودشان ببرند چون طلب کارها طلب خودشان را برده اند و دیگر چیزی نمانده است در این صورت هم قهراً منفصل خواهد شد و سایرین بعد می توانند شرکت بکنند و در صورت فوت و ورشکستگی همین قسم است که عرض کردم در صورت تلف حصه جنسی هم مقصود این است که بکمی مقدار از مال شرکت جنس بود و بکمی مقدار پول بود و صبح بر خواستند دیدند جنسها سوخته است و در وقتی که آن حصه تلف شده است شرکت را دو باوه تشکیل میدهند و الا تشکیل نمی دهند چون آن مال الشرا که حصه جنسی از بین رفته است.

رئیس - مذاکرات کافی نیست (گفتند کافی است)

رئیس - چند فقره اصلاح پیشنهاد شده است فرائت میشود .

۱ - از طرف آقای آقا شیخ ابراهیم زنجانی (بمضمون ذیل فرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم ماده ۷۷ قانون شرکت جنسی نوشته شود.

ماده ۷۷ . انفصال شرکت در اقسام چهار گانه در صورت ذیل است .

در صورت رضای تمام شرکت در صورت انتضای مدت شرکت هر گاه شرکت بلا مدت است در صورت تقاضای یک یا چند نفر از شرکت انفصال شرکت را و هر گاه شرکت بلا مدت است کسی از شرکت حق ندارد انفصال آن را بخواهد مگر اینکه علت صحیحی پیشنهاد کرده و در مجلس شرکت تصدیق شود و در هر حال شریکی که بخواهد خود را از شرکت خارج نماید باید مقصود خود را قبل از وقت سایر شرکت اطلاع دهد در صورت حصول مقصودی که شرکت را برای آن تشکیل داده اند در صورت فوت مقصودی که علت تشکیل شرکت بوده در شرکت خصوصی و شرکت مختلطه در صورت وفات یا افلاس یا در تحت قیمومیت رفتن یکی از شرکت در شرکت سهامی معدوده در صورت سوخت تکت سرمایه در صورت تلف حصه جنسی قبل از مبادا آن در ابتداء شرکت .

آقا شیخ ابراهیم اینجانب مطالب متفرقه مذاکره شده است اولاً لفظ انفصال را عرض کرده ام بجهت اینکه انفصال اعم است از فسخ و انفصال شامل هر دو میشود یکی هم آنجا که میگوید مگر آنکه علت صحیحی پیشنهاد میکنند قید شده است که آن تقاضا باید در مجلس سهام تصدیق شود والا مطلق تقاضای یک نفر کافی نخواهد بود یکی هم در آخر یک قدری اجمال داشت چون مراد از معاملات این نیست که هر گاه چندین سال باشد که معامله کرده اند و حالا حصه جنسی تلف شده باشد انفصال خواهد شد بلکه مقصود این است که در اول شرکت بعضی ها نقد گذاشته اند بعضی ها جنس و آن جنس قبل از مبادله در اول شرکت تلف شد مقصود این است من باب توضیح قبل از مبادله آن در ابتدای شرکت را قید کرده ام .

رئیس - آقای مخبر چه میفرماید .
افتخار الواعظین - بفرماید همراه بخواهند

تا به بین هر کدام که بشود قبول کرد قبول بکنم پیشنهاد آقای آقا سید حسن مدرس .

بنده پیشنهاد میکنم اول ماده ۷۷ چنین نوشته شود شرکت چهار گانه در مواد ذیل منفصل شود ۳ - ابناً از طرف آقای مدرس .

بنده پیشنهاد میکنم آخر قسم سیم از ماده ۷۷ چنین نوشته شود - و اگر مدتی معین شده است هر یک از شرکت در آن مدت فسخ نخواهند نمود مگر اینکه علت صحیحی پیشنهاد کنند ۴ - از طرف آقای لسان الحکماء بشرح ذیل - اصلاح ماده ۷۷ بجای جزء اول این قسم نوشته شود شرکت چهار گانه در صورت مسطور ذیل فسخ یا منفسخ میشود بجای جزء سیم این قسم نوشته شود .

در صورتیکه یک یا چند نفر از شرکت مایل بقرین شرکت باشند بشرط اینکه برای شرکت مدتی معین نشده باشد و اگر مدتی معین شده است شرکت حق فسخ ندارند مگر آنکه علت صحیحی پیشنهاد کنند ولی در هر صورت شریکی که میخواهد از شرکت خارج شود باید مراتب را قبل از وقت سایر شرکت اطلاع دهد .

از طرف حاج شیخ اسدالله بنده پیشنهاد میکنم که بعد از لفظ شرکت در تمام ماده اضافه شود - شرکت مسئول .

افتخار الواعظین - در این پیشنهادها بنده می بینم هر کدامش دارای چیزی است که باید قبول کنم و شاید بکنم هم داشته باشد مثلاً پیشنهاد آقای زنجانی صحیح است فقط نوشته اند حق فسخ نخواهند داشت و آقای مدرس نوشته اند که شرکت فسخ نمیتواند بکنند اگر این پیشنهادها بایستاقم باین ماده بشود در کمیسیون اصلاح بشود آن وقت پیشنهاد شود بهتر است .

رئیس - تقاضا میکنم که بر کرد بکمیسیون بر میگردد بکمیسیون یک ربع ساعت تنفس است بعد از تنفس جلسه بریاست آقای متین السلطنه مجدداً تشکیل شد **آقا سید حسن مدرس** - چون در جلسه سابقه از جانب مجلس کمیسیونی معین شد که مشرف شدند خدمت والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه بجهت مذاکره آن مشروطه که مرقوم فرموده بودند بمجلس بنده هم خدمت آقایان بودم هم در مجالس در حضور ایشان وهم در کمیسیون با همدیگر در این خصوص مذاکراتی کردند بعد از مذاکرات زیاد که آقایان کمیسیون مستحضرند نتیجه معالایی است که در این ورقه نوشته شده و بجهت اینکه هیچ کم وزیادی در مذاکرات نشود هینا بتمام ریاست داده میشود که فرائت شود (تقدیم مقام ریاست شد و به تفصیل ذیل فرائت گردید) کمیسیونی که از مجلس شورای ملی انتخاب شده بود حضور والا حضرت اقدس شرفیاب شده در باب دستخطی که والا حضرت راجع بنصیب در ترک مقام نیابت سلطنت بمجلس مرقوم فرموده بودند مذاکرات عیدیه بمیان آمد والا حضرت اقدس چنانکه در دستخط خودم بیان فرموده اند جهت این تصمیم عزم خود را کسالت مزاج و ضیق حال و کمبود تکیه از پاره اختلافات حاصل شده است مشروحاً بیان فرمودند ولی چنانکه خود والا حضرت هم فرموده اند کمیسیون تعقیب از این اختلافات را مناسب نمیداند و از طرف دیگر چنانکه

در جلسات عیدیه از و کلام و علماء و سایر خیر - خواهان مملکت بیان شده است این تصمیم مزم والا حضرت اقدس بهیچوجه مقرون بصلاح مملکت نیست و در بعضی از جلسات سابق شق دیگری بنظر بعضی از خیر خواهان رسیده بود که والا حضرت اقدس برای اصلاح مزاج و رفع آزر دگی خاطر مبارکشان وقتاً بمسافرت فرنگستان تشریف ببرند لهذا کمیسیون چنین صلاح میداند که اگر این شق اختیار شود و تا یکماه دیگر که برای تکمیل کابینه و انجام پاره مطالب لازم است والا حضرت بفرنگستان مسافرت بفرمایند امید است که در این مدت مختصر مسافرت والا حضرت اقدس بکلی رفع کسالت مزاج مبارک ایشان شده و بمساعی جبلیه خیر خواهان منشاء این ملات و ضیق حال مرتفع گردد آنچه بنظر کمیسیون میرسد این است که این شق اخیر یگانه راهی است که ممکن است والا حضرت اقدس را از تصمیم فوق منصرف نماید تارای مجلس چه اقتضا کند .

نایب رئیس - چون اذهان نمایندگان معترم مسبوق نیست عجلاتاً در این باب مذاکرات نمی شود چند فقره راپورت کمیسیون بودجه رسیده است فرائت میشود .
(بشرح ذیل خوانده شد)

چون چند فقره راپورت کمیسیون بودجه هنوز در مجلس شورای ملی مطرح نشده و ممکن است در این دوره وقت مذاکره فرد فرد آن نشود لهذا موافق مطالب راپورت های سابقه تقدیم مجلس میشود ماده اول - ماهیانه مبلغ چهار تومان بورا پلیس مقتول در بوشهر داده میشود .

ماده دوم - ماهیانه مبلغ سه تومان بباذر میر محمد علی خان قزاق مقتول داده میشود .

ماده سیم - ماهیانه مبلغ ده تومان در باره وراث فتح الله خان مجاهد مقتول برقرار میشود .

ماده چهارم - - مبلغ دو تومان در باره وراث میرزا حبیب الله مقتول برقرار میشود .

ماده پنجم - ماهیانه مبلغ یازده تومان در باره حاج علی قلی شتر دار برقرار میشود .

ماده ششم - ماهیانه مبلغ بیست و سه تومان به ترتیب ذیل در باره وراث میرزا اسدالله خان مقتول هه زاده مرحوم میرزا جهانگیر خان برقرار میشود .

۱ - میرزا اسماعیل خان پسر مرحوم میرزا اسدالله خان مبلغ ده تومان ۲ - مادر مرحوم میرزا اسدالله خان مبلغ پنج تومان ۳ - عبدالله خان برادر مرحوم میرزا اسدالله خان هشت تومان .

حاج عز الممالک (مخبر کمیسیون) - این ماده شش در کمیسیون تغییر داده شده و از این لایحه مجزی می شود عجلاتاً در سایر مواد باید مذاکره شود .

نایب رئیس - در مواد مذاکره می شود و بقیام و قعود رای می گیریم بعد با وراق در کلیه رای خواهیم گرفت ماده اول خوانده میشود (مجدداً ماده اولی فرائت شد)

محمد هاشم میرزا - بعد از اینکه بنامند مجلس متدبانش باید به ترتیب سابق یکی یکی در مجلس بیاید تمام اینها را در یک جلسه گذارند خوب نیست خوب است مثل سابق در آخر هر جلسه یکی دو تایش به مجلس بیاید و از مجلس بگذرد تا این که تعقیقات کامل در آنها بشود .

نایب رئیس - سابقاً در این باب مذاکره شده بود و مخصوصاً گفته شده بود که اگر بخواهیم در هر جلسه یکی دو تای آنها را بگذرانیم مدتی طول میکشد مجلس چنین صلاح دانست که در یک لایحه نوشته بشود .

آقا سید حسین اردبیلی - بنده با کلبه این مخالفم .

نایب رئیس - راپورت کمیسیون بودجه کلیات ندارد .

آقا سید حسین اردبیلی - چون تکلیف امتداد مجلس در آن وقت معلوم نبود و در واقع باین ترتیب گفته شد که این مواد را یکی یکی نمیشود گذرانید و بکثریه بطور لایحه در یک ورقه نوشته شود باین ملاحظه بود که اینطور نوشته شد گمان میکنم حالا که مجلس با کثرت مدت امتداد پیدا کرده است اینها را نباید تحت لایحه واحد قرارداد بجهت اینکه شاید بنده در ماده اولی مخالفم و یکی از آقایان شاید در ماده دوم و دیگری در ماده دیگر آنوقت نمیتوانم در کلبه این رای بدهم بنظر بنده خوبست علیحدّه علیحدّه پیشنهاد شود و علیحدّه در سر فرائت رای گرفته شود .

حاج عز الممالک - این اهمیتی ندارد و رای نمایندگان با ورقه و قیام و قعود فرق نمی کنند هر کس بقیام و قعود رای بدهد بنا ورقه هم رای میدهد اینست که اینطور ماده بندی شده و راپورت داده شده است فرضاً نظر سابق هم باشد این طریق سهلتر است و آقایان نمایندگان باید متوجه این مطلب باشند که این راپورت های کمیسیون بودجه بالاخره باید بگذرد و هر چه زودتر بگذرد هم اسباب راحتی آن اشخاص خواهد بود و هم وزارت مالیه تکلیف خودش را خواهد دانست و بنده در ماده اول توضیح می دهم که این پلیس در سر خدمت در بوشهر مقتول شده است و البته نمایندگان محترم در باب یک نفر مستخدم دولت که در سر خدمت مقتول شده است قدر شناسی کرده و رای خواهند داد .

آقای محمد - عرض میکنم چیزی بکه لازمست عرض کنم باینطوریکه ماده بندی شده است خوب نیست اینها دفعه بدفهمه خوبست رای بگیریم نمیشود بقیام و قعود رای گرفت چون بعضی در مواد موافقت بعضی مخالف و در آخرش مسئله ورقه رای دادن اسباب حیرت میشود بیکان بیکان باید ورقه رای گرفت .

مخبر الرعایا - عرض کنم که هیچ تفاوت نمیکند هر ماده که از مجلس نگذشت بمیان و در آخر هم ماده که بقیام و قعود رای گرفتند و نگذشت آن در رای کلی از کلبه این لایحه ساقط میشود و باقی رای گرفته میشود و مخصوصاً آقای رئیس فرمودند که این ترتیب را بدهیم که اینها زودتر از مجلس بگذرد .

آقای میرزا احمد - هر ماده که بقیام و قعود رد شد خوبست توضیح بفرمائید که آن ماده هم در وقتی که رای با وراق گرفتند و رای با وراق تصویب شد آیا تصویب شده محسوبست یا خیر (بعضی اظهار کردند خارج از لایحه میشود) التفات بفرمائید اگر یک خبریکه کلی و مشتمل بر مواردی باشد یکی دو ماده در ضمن رای جزئی رد شد و بکلیاتش رای گرفته شود و رای داده شود آن جزئیات هم قبول

شده محسوب میشود یا خیر اگر آن قسم نیست مثل اینست که تا چند چیز منفرد را با هم رای بگیریم در آن صورت باید همه را با ورقه رای بگیریم .

حاج عز الممالک - اینطور نیست اشتباه شده است اگر بنا باشد بیک ماده بقیام و قعود رای گرفته شد و رد شد از آن لایحه خارج میشود و به باقی موارد در کلیات با ورقه رای گرفته میشود هیچ اشکالی ندارد .

نایب رئیس - رای گرفته میشود بماده اول .

بهجت - سؤالی دارم .
نایب رئیس - در تحت عنوان سؤال لفظی نمیتوان کرد اگر سؤالی می خواهید بکبد بفرمائید

بهجت - در بوشهر در آن قضیه که بنده میگویم معاون کشته شد و چند نفر پلیس اگر مقصود از این پلیس که اینجا نوشته شده است معاون است که این مبلغ کم است و اگر پلیس است که در آنجا کشته شده سه چهار نفر پلیس آنجا کشته شده کدام یکی از آنها مقصود است .

حاج عز الممالک - سه چهار نفر نیست اولاً در لایحه که وزارت مالیه نوشته بود تصریح کرده بود که یک نفر کشته شده است و برای او این پیشنهاد را کرده بودند اگر آقای بهجت اطلاعاتی دارند خوبست بوزارت مالیه پیشنهاد کنند و از وزارت مالیه بمجلس پیشنهاد شود و عجلاتاً محققاً یک نفر پلیس کشته شده است و این لایحه راجع با و است

حاج شیخ علی خراسانی - تعجب دارم از اینکه فرمایشات آقایان تمام راجع به کلیات است و در ماده اول میفرمایند اما در ماده اول بنده هیچ معظوری نمی بینم برای اینکه بکسانیکه در سر خدمت مقتول شده اند چیزی داده شود ولی بنده هیچ فرقی نمی بینم که یک پلیس در سر خدمت مقتول شده باشد یا جمعی از قشون که در سر خدمت کشته شده اند و حتی این را عرض میکنم که اگر بنا بشود ۱۰ این رویه را داشته باشیم که اگر کسی در سر خدمت کشته شود بجهت او حقوق بر قرار بکنیم هزارها قشون در سر خدمت کشته شده است و هزارها باید در حق آنها بر قرار شود اگر دولت و ملت استعداد دارد که هر کس در سر خدمت مقتول شود چیزی با و داده شود بنده هم تصویب میکنم که با و چیزی داده شود و الا اگر فلان پلیس یا فلان مجاهد یک واسطه داشته باشد و بآن جهت وزارت مالیه یک چیزی به مجلس پیشنهاد کند و دیگران محروم باشند بنده هیچ تصویب نمی کنم یا باید به همه داده شود یا هیچکس نباید داد .

حاج عز الممالک - آقای حاج شیخ علی

نمیدانم چطور در ضمن یک کلیاتی نسبت بتمام مستخدمین دولت فرمودند و مقایسه کردند باین ماده این ماده را جمیع شخصی است که در سر خدمت مقتول شده است چنانچه تا بحال معمول بوده است که کسانی که در

سر خدمت کشته شده اند نسبت باین آسوخا خدمت کرده اند بمجلس شورای ملی در حق آنها قدر دانی کرده و خواهد کرد و اما اینکه در باره مجاهدین یا قشونی هم که در سر خدمت مقتول میشوند بنده عقیده دارم و البته سایر آقایان هم عقیده دارند که باید در حق آنها هم قدر دانی بشود و کسانی که در راه آزادی و

خدمت بدولت مشروطه صدمه بآنها میرسد البته دولت و مجلس شورای ملی بقدر خودشان در باره آنها قدر شناسی خواهند کرد .

نایب رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد آقایانیکه ماده اول را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد ماده دوم (ماده دوم مجدداً قرائت شد)

حاج شیخ علی - باز در این ماده تکرار میکنم عرض خود را چه امتیازی است بین یک پلیس که فلان قدر با و داده شود یا یک قزاق که سه تومان با و داده شود اگر در سر خدمت کسی مقتول شده و باید چیزی داد باید یک ماده پیشنهاد شود که درجه اول افراد قشونی یا پلیسی یا غیر پلیسی که صدمه دیده اند یا کشته شده اند فلان مقدار با آنها داده میشود و به درجه دوم فلان مبلغ داده خواهد شد و اینکه بیک نفر که واسطه دارد یازده تومان و یک نفر مجاهد چهل تومان و فلان شخص که واسطه ندارد ده تومان صحیح نیست اگر بنا شود ما تصویب کنیم و بنده هم تصدیق میکنم اگر باید تصویب شود و بتمام کسانی که در سر خدمت مقتول میشوند چیزی داده شود باید با السویه بر حسب درجات و شئون با آنها چیز داد نه اینکه بیک نفر پلیس فلان مقدار و بیک صاحب منصب فلان مقدار و باین ترتیب گمان نمیکند که بتوانیم از عهده بر آیم .

حاج عز الممالک - اولاً کلمه مادام العیوبه باید بماده دوم اضافه شود تا باین فقره مالی بلا حلقه وراث بود و این فقره راجع بیک نفر ورثه مادر پیر اوست و لایحه که از طرف وزارت مالیه پیشنهاد شده است و سه تومان بوده در ایام مختلفه در کمیسیون مذاکره شده و اگر سه تومان پیشنهاد شده است کمیسیون چهار تومان میکند پس اینکه میفرمایند که چرا یکی را سه تومان و یکی را چهار تومان داده اند اینها را هر کدام وزارت مالیه پیشنهاد کرده است که باید داده شود و این قزاق هم در وقته فتح طهران درب مجلس شورای ملی با یک نفر دیگر بطوریکه نظایه اطلاع داده است مقتول شده است و مخصوصاً برای اینکه آقایان مسبوق شوند راپورت نظمیه را میخوانم می نویسد در خصوص عرض حال ورثه میر محمد علی خان قزاق را که بمجلس شورای ملی تقدیم کرده لازمست تقیث را بعمل آورده شخص مقتول یک مادر پیری دارد پسرش در روز ورود مجاهدین بنا پسر حسن خان معاون ژاندارم کشته شده است و در نهایت پریشانی زندگانی میکند اساس الیت و زندگانی بهیچوجه دارا نیست واجب الرعایه هستند .

نایب رئیس - رای گرفته میشود بماده دوم با اضافه کلمه مادام العیوبه آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد ماده ۳ (ماده ۳ مجدداً قرائت شد)

نایب رئیس - مخالفی نیست در این ماده .

حاج شیخ اسدالله - این ماده را هم مثل ماده قبل خوب است بنویسند مادام العیوبه .

لواء الدوله - بنده اختصار بنظمنامه دارم